

سیل در تهران و سایر نقاط کشور از آسمان سنگ می بارید

زیرزمینی نیمه تمام تجریش پناه گرفته اند، غافلگیر می شوند. گل ولای، دهانفر را مدفون می کند. سیل، با سرعت به طرف جنوب راه می کشاید و خانه ها را بر سرساکنان آنها ویران می سازد. سنگ باران، بیشتر دامن محلات شمالی را گرفته است. اما آب، در جنوب شهر هم بالا آمده است.

سیل، ماشین ها را با خود می برد. مردم می گویند حداقل هزار نفر کشته شده اند. برخی مردم از ۴ هزار و ۲ بقید در صفحه ۲

تهران، بعد از ظهر یکشنبه چهارم مرداد. شب گذشته، باران تائبستانی آمده است. هوا، خنک تر شده و به نظر می رسد مرداد بی رحم تهران، می خواهد اندکی به مردم امان بدهد...

اما ناگهان، صدای مهیبی به گوش می رسد. تا چشم به هم بزنن، توده عظیمی از آب و گل و سنگ، همه جا را می گیرد، از شمال، از سمت الهرز، تخته سنگهای به بزرگی یک اتاق، فرو می غلتند. چند صخره به بازار تجریش اصابت می کنند. مردمی که در راهروی



دوشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۶ برابر ۲ آگوست ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۶۸

بلوای خونین مکه

* به دنبال انجام تقاضات توسط حزب الهی های اعزامی،
صد ها نفر در درگیری با پلیس عربستان سعودی کشته شدند

اسلامی اعلام کرد که حمله کنندگان به چماق مجهز بوده و از قبل سازماندهی شده بودند. به دنبال این وقایع از طرف دولت در ایران سه روز عزای عمومی اعلام شد و هیاتی برای مذاکره با مقامات عربستان سعودی به این کشور اعزام گردید.

در پی وقوع درگیری خونین روز جمعه ۹ مرداد در مکه، عوامل حکومت خمینی به سفارتخانه های کشورهای فرانسه، کویت و عربستان سعودی در تهران حمله کردند. برخی گزارش ها حاکی است که سفارتخانه های کویت و عربستان به آتش کشیده شده اند، به سفارتخانه فرانسه نیز خساراتی وارد گردیده است.

آن قوم به حج رفته...

در صفحه ۲

ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۹ مرداد درگیری شدیدی بین گروهی از حزب الهی های اعزام شده به مکه با پلیس عربستان سعودی به وقوع پیوست. این درگیری به کشته و زخمی شدن جمع کثیری از حزب الهی ها، زائرین عادی ایرانی و زائرین دیگر ملیت ها انجامید. تا روز یکشنبه ۱۱ مرداد خبرگزاری ها آمار کشته شدگان را ۴۰۲ نفر و تعداد مجروحین را ۶۴۹۱ گزارش کرده اند. مسئولین جمهوری اسلامی اعلام نمودند که کشته شدن ۱۵۰ زائر ایرانی محرز گردیده است و از سر نوشت ۱۵۰ نفر دیگر اطلاعی در دست نیست. این درگیری در نزدیک محل اسکان "زائرین" ایرانی به وقوع پیوست.

پیام خمینی خطاب به "زائرین مکه" که در آن بر ضرورت "برائت جستن از مشرکین" و انجام تقاضات در مکه تاکید شده بود، از عوامل آغاز درگیری بشمار می رود. جمهوری

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین پیروزمندانه پایان یافت

* خطر اعدام و شکنجه های انتقامی، زندانیان سیاسی را

به شدت تهدید می کند

شکنجه گاه ها زبونانه سر در تعفن وجود خویش فرو برده اند.

اما باید هشدار بود پایان یافتن اعتصاب غذا در اوین به هیچ وجه به معنی کاهش خطر اعدام و دیگر اقدامات جنایتکارانه رژیم نیست. تجربه می آموزد که باید نسبت به خطر انتقامجویی های ددمشانه به شدت هشدار بود. باید دست در دست یکدیگر، متحد و همبسته با تمام قوا مبارزه در راه دفاع از زندانیان سیاسی را گسترش بخشیم. تجربه مثبت حرکات اخیر در دفاع از زندانیان سیاسی، کارآیی و ثمربخشی و ضرورت اتحاد عمل گسترده در این زمینه را بهش از بهش عیان ساخت. خطرانی که بطور دائم جان عزیزان زندانی ما را تهدید می کند لحظه ای تعلل را روا نمی دارد. با تمام قوا در راه زنجیر زدن بر دستان غرقه در خون خمینی جلاد به پیش!

زندانیان سیاسی قهرمان شکنجه گاه اوین که از روز ۲۰ تیرماه دست به اعتصاب غذا زده و از روز ۲۵ تیرماه آن را به اعتصاب غذای خشک تبدیل کرده بودند، در هفته گذشته به اعتصاب غذای خود پایان دادند. از نیمه هفته گذشته ملاقات ها عموماً برقرار گشته است. اکثر زندانیانی که از بلند های خود رها شده بودند به محل سابق خود بازگردانده شده اند. برخی از خواسته های اعتصاب بطور نسبی تأمین گردیده است. زندانیان از نظر جسمی شدیداً ضعیف و رنجور شده اند. رژیم دمدلش خمینی که می گوشت با اعمال ددمشانه ترین شکنجه های جسمی و روانی، فرزندان دلبر خلق را به زانو بینگند، دژ خیمان پلیدی که تلاش می کنند اندیشه و امید را در سردابه ها به مصلابه کشند، اینک در برابر شعله های پرهیبت و تابناک امید و اندیشه از عین دهلیر



مدرسه ای دارای ۱۱۰۰ نفر دانش آموز در تهران. مدرسه را به حکم دادگاه خراب کرده اند و برای گرفتن عکس یادگاری از دانش آموزان مدرسه، یک تابلوی "جنگ، جنگ" تاپیروزی "به دست آنها داده اند.

افشاگری تازه در باره معاملات تسلیحاتی جمهوری اسلامی و آلمان فدرال

نزدیک به سه ماه پیش، در شماره ۱۵۶ "اکثریت"، به نقل از هفته نامه آلمانی "اشپیکل" گزارشی درباره همکاری انحصارات تسلیحاتی فرانسوی و آلمانی در تأمین جنگ افزار برای ایران و عراق درج کردیم. در این گزارش، آمده بود شرکت "فریتس ورتن" متعلق به دولت آلمان فدرال فعالیت گسترده ای در صدور اسلحه و مهمات به جمهوری اسلامی دارد و در این زمینه، کار خود را با شرکت "مانورن" متعلق به دولت فرانسه، که به عراق اسلحه صادر می کند، هماهنگ می سازد.

به دنبال افشاگری "اشپیکل"، در پارلمان آلمان فدرال مسئله صدور اسلحه به ایران که مغایر با

توطئه های جدید
علیه پناهندگان ایرانی در پاکستان

در صفحه ۲

توطئه‌های جدید

علیه پناهندگان ایرانی در پاکستان

* دولت پاکستان، طرح استرداد پناهندگان ایرانی را در سر می‌پروراند

همانگونه که در گزارش‌های اکثریت "در مورد جنایات بربرمنشانه رژیم خمینی در شهرهای کراچی و کوننه پاکستان، نوشتیم، در جریان رویداد هفدهم تیرماه، مزدوران مسلح خمینی با یورش‌های وحشیانه به اقامتگاههای پناهندگان و پناهجویان ایرانی، دهها تن را به خاک و خون کشیدند. در این جنایات فجیع پلیس فاشیستی پاکستان، طی همکاری جنایتکارانه خود با پادشاهان و آدمکشان صادراتی خمینی، اقدام به دستگیری وسیع آوارگان ایرانی در پاکستان و به ویژه در شهر کراچی نمود. پناه به آخرین گزارشهایی که از پاکستان دریافت کرده‌ایم، پلیس پاکستان متعاقب این اعمال ضد انسانی، بطور فزاینده، پیگرد و دستگیری ایرانیان را گسترش داده است. در کنار این، اخیرا برخی از مقامات دولتی پاکستان، نقشه استرداد آوارگان ایرانی را به سپاهیان‌های رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی ریخته‌اند. در این کارزار پلید، مطبوعات وابسته به رژیم ضیاءالحق، که به اشکالی نیز سر درآخور رژیم خمینی دارند، زمینه‌های تحقق این طرح جنایت آمیز را فراهم می‌سازند.

با توجیه به رویداد خونین هفدهم تیرماه، در صورت تمرکز پناهندگان در یک محل واحد، نه تنها مشکلات امنیتی پناهندگان برطرف نخواهد شد، بلکه پیش از پیش امنیت جانی آنان در معرض حملات گسترده‌تر و سازمان یافته‌تر مزدوران خمینی و همدستان پاکستانی آنها قرار خواهد گرفت. تحقق این طرح، پناهندگان را به صورت هدف متمرکز آدمکشانی قرار خواهد داد که جنایات هفدهم تیرماه را بوجود آوردند.

اکنون، اقدامات تروریستی رژیم خمینی و همکاری همه جانبه و جنایت آمیز پلیس پاکستان با آدمکشان جمهوری اسلامی، و تداوم سیاست بی‌توجهی سازمان ملل نسبت به سرنوشت هزاران آواره ایرانی، شرایط به غایت خطرناک و تهدید کننده‌ای برای پناهندگان و پناهجویان ایرانی بوجود آورده است. خطر استرداد به جمهوری اسلامی، و احتمال یورشهای سباعانه‌تر از جانب مزدوران خمینی، جان آوارگان ایرانی را در پاکستان، بطور جدی تهدید می‌کند. با افشای هر چه گسترده‌تر جنایات خمینی در پاکستان، باید چنانچه را پیش از پیش متوجه وضعیت دردناک آوارگان ایرانی در پاکستان نمود. وظیفه ماست که از سازمانها، محافل و شخصیت‌های مدافع حقوق بشر مصرانه بخواهیم که جان هزاران پناهنده ایرانی را در پاکستان نجات دهند.

همانگونه که در گزارش‌های اکثریت "در مورد جنایات بربرمنشانه رژیم خمینی در شهرهای کراچی و کوننه پاکستان، نوشتیم، در جریان رویداد هفدهم تیرماه، مزدوران مسلح خمینی با یورش‌های وحشیانه به اقامتگاههای پناهندگان و پناهجویان ایرانی، دهها تن را به خاک و خون کشیدند. در این جنایات فجیع پلیس فاشیستی پاکستان، طی همکاری جنایتکارانه خود با پادشاهان و آدمکشان صادراتی خمینی، اقدام به دستگیری وسیع آوارگان ایرانی در پاکستان و به ویژه در شهر کراچی نمود. پناه به آخرین گزارشهایی که از پاکستان دریافت کرده‌ایم، پلیس پاکستان متعاقب این اعمال ضد انسانی، بطور فزاینده، پیگرد و دستگیری ایرانیان را گسترش داده است. در کنار این، اخیرا برخی از مقامات دولتی پاکستان، نقشه استرداد آوارگان ایرانی را به سپاهیان‌های رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی ریخته‌اند. در این کارزار پلید، مطبوعات وابسته به رژیم ضیاءالحق، که به اشکالی نیز سر درآخور رژیم خمینی دارند، زمینه‌های تحقق این طرح جنایت آمیز را فراهم می‌سازند.

با توجیه به مطبوعات محلی و

آن قوم به حج رفته...

دست اندرکاران صدور انقلاب اسلامی، فراهم می‌گردد.

امسال نیز آشوب همیشگی برپا گشت، آشوبی پر دامنه‌تر از سال‌های گذشته. عریده‌کشی‌ها که آغاز گشت درگیری را نیز با خود آورد. بنا بر گفته مقامات ۱۵۰ نفر کشته شدنشان محرز گشته است. تا روز یکشنبه ۲ اوت خبرگزاری‌ها کشته شدن ۴۰۰ نفر را تأیید کرده‌اند. عده زیادی نیز مجروح گشتند، زیر دست و پاماندند و یا دستگیر شدند. آخوند کروی هم که مسئول عریده‌کشی در مکه بوده است گویا مجروح شده. پلیس گاز اشک آور شلیک کرده که مسئولین رژیم خمینی اعلام کردند گاز خفه‌کننده بوده است. رژیم اعلام کرده است که در برابر سعودی‌ها واکنش تندی نشان خواهد داد. سعودی‌ها نیز لاپه‌چری‌تر خواهند شد. مساله‌ای دیگر بر مشکلات منطقه افزوده شد، خون ۲۰۰ حاجی، ناو هواپیمابر کنستلیشن و پرچم‌های ستاره‌نشان بر فراز نفت کش‌های کویتی و این همه در کنار چنگ رژیم از تشنج تغذیه می‌کند و موجودیت خود را با تشنج آفرینی به سبک آخوندی، کره خورده می‌بیند.

خلیفه مسلمین شدن کار ساده‌ای نیست، همان گونه که امام بودن در مملکت محروسه ساده نیست، اوین لازم دارد، پاسدارو کمیته‌چی لازم دارد، لشکری از آیات عظام و حج اسلام لازم دارد. برای تبدیل شدن به خلیفه مسلمین، باید موعی از پان اسلامیس به راه انداخت، از چنگ بیست ساله سخن گفت، حسین موسوی را در لبنان و وحید کرچی را در فرانسه به کار گماشت، در این جاشیخ فضل الله را علم کرد و در آن جافلان ملای افغانی یا پاکستانی را، برای خلیفه شدن لکن باید انقلاب کذا را صادر کرد و خاصه نباید آتجایی را که زادگاه اسلام است، از یاد برد. از همین روست که هر سال در مکه آشوبی به پا می‌شود. عده‌ای از عوامل رژیم، که به پاداش خوش خدمتی‌شان برنده جایزه سفر حج می‌شوند، قاطی بقیه حجاج می‌شوند تا در مکه با عریده‌کشی، خمینی راهبر جهان اسلام معرفی کنند. بین آن‌ها با پلیس سعودی، پلیس رژیمی که به یمن دلارهای نفتی و کلید دار حرمین بودن خود را حلف خلفای سلف می‌داند، درگیری می‌شود و بدین سان مدتی خوراک تبلیغاتی

سیل در تهران و سایر نقاط کشور

آمده است. به نوشته کیهان، "احداث بسیاری دیگر در کل وای دشتی در ۴ کیلومتری رودخانه بوژان یافت می‌شود". سیل در روستای زشک، از توابع بخش نرقبه شهرستان مشهد نیز به کشته شدن عده‌ای و بروز خسارات سنگینی انجامید. اسامی ۹ تن از کشته شدگان اعلام گردید. به باغات روستاها، میلیون‌ها ریال خسارت وارد آمده است. ۱۵ کیلومتر از راه اصلی روستای زشک که در مسیر رودخانه قرار دارد، به کلی ویران شده است. جمعی از اهالی این روستا و خانواده‌هایی که از مشهد برای استراحت به روستای زشک آمده بودند، طعمه سیل گشته و یادر محاصره سیل قرار گرفته‌اند.

در روز سوم مردادماه در شهر و روستاهای اطراف ساه نیز سیل جاری شد و چند روستا در محاصره سیل قرار گرفت. روستاهای رضآباد، احمدآباد و طراز نامید از بخش مرکزی ساه را سیل محاصره کرده است. در شهر ساه نیز آب، سطح خیابانها را پوشانده و رفت و آمد مردم و وسایط نقلیه مختل شده است.

بقیه از صفحه اول
۵ هزار کشته نیز سخن می‌گویند. تلفن‌ها، و در برخی نقاط جریان برق و آب قطع شده است. از شدت سیل که کمی کاسته می‌شود، مردم سراغ هم را می‌گیرند. فلاتی دیر کرده است، نکند سیل او را برده باشد. تلفن‌ها بی‌شمرند، با خط قطع شده یا کسی کوشی را بر نمی‌دارد.

چنین سیلی از بیست سال پیش تا به حال بی‌سابقه بوده است. صدها خانه از بین رفته است. "از بهاران باید به زیر زمین پناه ببریم و از سیل به پشت بام. معلوم نیست اگر هر دو با هم بپایند چه باید بکنیم." چاله‌های زشتی به اسم "پناهگاه" کنده‌اند، هر از آب و گل و سنگ شده است. یکی را می‌بینی وسط جریان آب، گیر افتاده است. بادست‌شاخه درختی را گرفته تا آب او را نبرد. یکی دیگر، گوش و پپینی دهانش پر از گل شده و کم مانده است که خفه شود.

پس از جاری شدن سیل در روستای بوژان از توابع نیشابور، ۱۵۰ تن جان خود را از دست دادند. ۱۲۸ جسد از میان گل و لای بدست

افشاگری تازه درباره معاملات تسلیحاتی جمهوری اسلامی و آلمان فدرال

بقیه از صفحه اول

قوانین این کشور است، مطرح شد. اپوزیسیون، دولت بن را به علت مناسبات یک شرکت دولتی آلمانی با تهران در عرصه تسلیحاتی محکوم کرد. در مقابل نماینده دولت مملکت کول، منکر صدور جنگ افزار به ایران شد و ادعا کرد بن در جنگ خلیج فارس "بیطرفی" خود را حفظ کرده است. ریشارد پول، رئیس شرکت "فریتس ورنر"، اعلام داشت علیه هفته نامه "اشپیکل" اقدام دعوی خواهد کرد. "اشپیکل" در آخرین شماره خود (مورخ ۲۷ ژوئیه)، بر عدم صحت ادعاهای نمایندگان دولت بن تأکید ورزیده و دست به افشاگری تازه ای پیرامون جزئیات معاملات تسلیحاتی "فریتس ورنر" با جمهوری اسلامی زده است.

"اشپیکل" می نویسد، "اسناد شرکت، که در اختیار اشپیکل است، حاکی از فعالیت این شرکت دولتی در ایران است. مهندسان فریتس ورنر، به ایرانیها در تولید مواد منفجره، نارنجک، گلوله ضد هوایی و خمپاره، احداث میدانی آزمایش توپ و حتی ساختن کارخانجات تولید موشک، کمک می کنند."

به گزارش "اشپیکل"، شرکت "فریتس ورنر" در سمنان یک میدان بزرگ آزمایش موشک و توپ احداث کرده است. آغاز این پروژه، به آخرین سالهای حکومت شاه برمی گردد. تاسیسات نامبرده، شامل مرکز هدایت و کنترل، مرکز انفجار، مرکز اندازه گیری، آزمایشگاه، کارگاه، سیستم تولید برق و آبرسانی و مخازن است. در سمنان، موشکهای ۱۲۲ میلیمتری به نام "آرش" مورد آزمایش قرار می گرفت. پس از انقلاب، این مرکز مدتی تعطیل شد. اما در سال ۶۱، نمایندگان "فریتس ورنر" برای راه اندازی دوباره آن به ایران رفتند. در سال ۶۲، سازمان صنایع دفاع جمهوری اسلامی قرارداد با شرکت "فریتس ورنر" در مورد تحویل ماشین آلات برای تولید ۲۵ هزار موشک "آرش" امضا کرد. مبلغ این قرارداد به ۵/۶ میلیون مارک بالغ می گردد. از آن پس، فعالیت مهندسان "فریتس ورنر" در سمنان و تهران گسترش یافت.

"اشپیکل" می نویسد هنگامی که در ژوئن ۱۹۸۵ (خرداد یا تیر ۶۴)،

شرکت آلمانی جدیدترین محاسبات و نقشه ها برای ساختن موشکهای ۱۲۲ میلیمتری را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داد، رفسنجانی اعلام کرد دشواریها در ساختن موشک برطرف شده و جمهوری اسلامی "به زودی" خواهد توانست موشکهای ساخت خود راه سوی شهرهای عراق شلیک کند. به گزارش "اشپیکل"، شرکت "فریتس ورنر" برای ساختن گلوله های ضد هوایی ۲۵ میلیمتری نمایندگان گانی به تهران فرستاد.

در اوت ۱۹۸۶ (مرداد یا شهریور سال گذشته)، سعید برادران، مسئول خرید سپاه، به آلمان فدرال رفته و در گایزنهایم، مقر شرکت "فریتس ورنر"، مذاکراتی با مانفرد لدر، رئیس فنی این شرکت داشته است. مانفرد لدر، تا سال ۱۹۸۵ در تهران اقامت داشته و به زبان فارسی مسلط است.

در ملاقات برادران با لدر، قرار شد جمهوری اسلامی در ازای تحویل موشکهای ضدتانک "تاو" که در انبارهای ایران وجود دارند، اما به علت نقص فنی قابل استفاده نیستند، موشکهای سالم از همین نوع تحویل بگیرد و برای هر موشک ۲۸۰۰ دلار بپردازد.

در گزارش "اشپیکل" همچنین به تولید مسلسل های ژ-۲، ام-۲-۳، تیانچه و گلوله های خمپاره و توپ توسط "فریتس ورنر" در ایران اشاره شده است.

به نوشته "اشپیکل"، "بیطرفی" ادعایی دولت آلمان فدرال به معنای صدور اجازه برای تحویل اسلحه به هر دو طرف جنگ ایران و عراق است. "کشتی سازی های آلمانی در ساختن زیر دریایی برای ایران شرکت دارند. هواپیما سازان آلمانی از راه اسپانیا به عراق هلی کوپتر تحویل می دهند. شرکت های آلمان فدرال با ایران برای تحویل توپ، ماسک گاز و پل های شناور معامله دارند. سربازان عراقی با کامیونهای نفربر آلمانی به جبهه می روند و از طریق کشورهای ثالث، سیستم دفاع ضد هوایی آلمانی "آرتیس ۲۰" را دریافت می کنند. شرکت های آلمان غربی، کارخانجات عراقی تولید گاز سمی ضداصاب را مجهز می کنند و در تولید سلاحهای شیمیایی شرکت دارند." ●

مارک بی طرف

نمی تواند هم چون گذشته از آلمان فدرال جنس بخرد. این نشریه از قول یکی از مسلولین اتحادیه خاور نزدیک و میانه نوشته است، عراق تاخرخره در قرض رفته است. جنگ ۲۶۰ میلیارد مارک برای این کشور خرج بالا آورده و صدام حسین تنها برای پیشبرد جنگ در سال فعلی ۲۷ میلیارد دیگر هزینه پیش رو دارد. میزان بدهی رژیم بغداد به غرب بالغ بر ۵/۴ میلیارد مارک شده است. این وضعیت به نوشته روزنامه دست راستی "دی ولت" باعث آن شده است که واردات عراق از آلمان فدرال به شدت کاهش یابد. در سه ماهه اول سال جاری میلادی انحصارات آلمانی تنها ۱۴۵ میلیون مارک کالا به آلمان صادر کرده اند، که به میزان ۷۰ درصد نسبت به سه ماهه آخر سال ۱۹۸۶ کاهش داشته است. در نیمه اول سال ۱۹۸۶ آلمان فدرال ۱/۸۲ میلیارد مارک به جمهوری اسلامی کالا صادر کرده است. صادرات این کشور به ایران همواره بیشتر از صادرات آن به عراق بوده است و هم اکنون نیز جمهوری اسلامی گاو شیرده تری برای انحصارات آلمانی است.

التهت گنشر به طرف مقابل نیز نظر دارد. وی بلافاصله مجدداً به آدم "بی طرفی" تبدیل شد، با طارق عزیز وزیر خارجه صدام حسین در پاریس ملاقات کرد و تاریخ مشخصی را برای سفر خود به بغداد تعیین نمود. گنشر اکنون به خود لقب شخصیت کلیدی در حل اختلاف بین ایران و عراق را داده است. این صلح طلبی به چه خاطر است؟ هفته نامه ویرتشافتز وخه می نویسد، آلمان فدرال خواهان پایان یافتن جنگ خلیج است، نه به آن دلیل که این جنگ واردات نفت از این منطقه را دچار مخاطره ساخته، بلکه به آن خاطر که از توان ایران و عراق برای وارد کردن هر چه بیشتر کالاهای آلمان فدرال کاسته شده است. انستیتیوی آلمانی خاور، در این زمینه به انحصارات آلمانی گزارش داده است که به دلیل ندادن جنگ "جوسرمایه گذاری مسیم است، تجارت می لنگد، اوضاع اقتصادی خراب است و سرمایه گذاری های تازه به سختی انجام می پذیرد." با این توصیفات هم "صلح دوستی" و هم "بی طرفی" آلمان فدرال مفهوم می شود و نه فقط آلمان فدرال، که بقیه کشورهای امپریالیستی نیز ●

ادعای بی طرفی در قبال یک جنگ از سوی دولتهای امپریالیستی، یکی از مسخره ترین و پوچترین داعیه های نمایندگان انحصارات است. سرمایه دهنال سود هر چه بیشتر است و هنگامی که نمایندگان سرمایه های بین المللی دم از سیاست بی طرفی در قبال یک جنگ می زنند، بی گمان سود هر چه بیشتر، در این سیاست نهفته است. آلمان فدرال در برابر جنگ ارتجاعی هفت ساله ایران و عراق، با تأکید بیشتری از بقیه کشورهای امپریالیستی، برخورد مارک بی طرف می چسباند، اما در این میان "مارک" به عنوان وردست درجه یک دلار نمی تواند بی طرف باشد، مارک به فکر چاپیدن هر دو طرف است. این سیاست در قاموس امپریالیستها، بی طرفی نامیده می شود.

در هفته گذشته بحث هایی که پس از اظهارات گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال به نفع جمهوری اسلامی در مطبوعات این کشور در گرفت، به خوبی معنی کننده سیاست "بی طرفی" امپریالیستها بود. بحثها پس از واکنش انتقادی بغداد در قبال اظهارات گنشر به پاگفت. عراق جلسه کمیسیون اقتصادی مشترک این کشور با آلمان فدرال را معلق گذاشت و (موقتاً) از انعقاد یک قرارداد تحویل نفت با شرکت انحصاری آلمانی منس من، خودداری کرد. جمهوری به روزنامه سخنگوی رژیم صدام حسین مقاله ای در مذمت گنشر به چاپ رساند و او را واضح "تئوری آخوندهای معتدل" در غرب، نامید. طرفداران این تئوری معتقدند که غرب نباید به فکر تقویت اپوزیسیون بورژوازی و سلطنت طلب رژیم خمینی باشد و باید در نظر بگیرد که آخوندها، اگر کمی معتدل تر شوند به دلیل مشخصه عمده ضد کمونیست بودن، خود بهترین خدمتگزاران امپریالیسم می باشند.

مضمون بحثی که در مطبوعات آلمان فدرال پس از سفر ولایتی، اظهارات جانبدارانه گنشر و واکنش عراق به راه افتاد این بود که برای انحصارات آلمان فدرال ایران بیشتر می صرفد یا عراق. هفته نامه اقتصادی "ویرتشافتز وخه" که از سخنگویان انحصارات آلمانی است در شماره ۲۱ ژوئیه خود نوشت، البته ایران و البته با حفظ سیاست "بی طرفی". چرا عراق صرفه ای ندارد؟ به نظر این نشریه عراق وضع مالی خوبی ندارد و

خواست ابرانیان مابیم پاکستان مبلی پر اعزام به کشور امن

روزنامه رسالت ۲۸ تیرماه به نقل از روزنامه انگلیسی "فرونتیر پست" چاپ پشاور اعلام کرد که شمار زیادی از ایرانیان مقیم پاکستان بدنبال حمله "گروههای طرفدار انقلاب اسلامی" به نیروهای مخالف رژیم خمینی، در خارج از کنسولگریهای سوئیس و فرانسه در کراچی تجمع کرده و خواستار اعزام به یک کشور امن شده اند. این روزنامه به نقل از یک ایرانی نوشته است که "حمله به گروههای مخالف رژیم جمهوری اسلامی در اوائل ماه جاری به وسیله گروههای طرفدار انقلاب اسلامی ایران برای آنها راهی جز خروج هر چه زودتر از پاکستان باقی ن گذاشته است."

آمار مربوط به صنایع تولید و مونتاژ خودرو

مجله صنعت حمل و نقل در شماره ۵۶ - خرداد ۶۶ - آمار و اطلاعاتی از وضعیت واحدهای تولید و مونتاژ خودرو ارائه کرده است. براساس این داده ها، در ایران ۲۵ کارخانه در عرصه تولید یا مونتاژ خودرو و یا وسایل و قطعات آن فعالیت می کنند که از آن بین ۲۵ واحد مالکیت دولت و یا تحت پوشش دولت قرار دارند. در مجموع واحدهای فوق الذکر، ۲۸۸۶۶ نفر متخصص و کارگر به کار اشتغال دارند و سالانه نزدیک به ۷۵ هزار دستگاه خودرو - از ۲۰ نوع خودرو مونتاژ - تولید می نمایند.

ارزش تولیدات واحدهای ذیل بطور مجموع در سال ۵۴ میلادی ۱۴۸ میلیارد ریال بود که در سال ۶۲ به ۲۰۰ میلیارد ریال بالغ گردید. افزایش ارزش تولیدات واحدهای مربوطه در سال ۶۲، متأثر از افزایش بهای کالاهای بطور عمومی می باشد.

از میان دیگر رویدادها

● کیهان هوایی ۷ مردادماه - کمرک جمهوری اسلامی طی گزارشی اعلام کرد که میزان صادرات غیرنفتی کشور در سه ماهه اول سال جاری (۲۱ میلیون دلار بوده است. براساس این گزارش صادرات میوه های خشک بیشترین سهم را در صادرات غیرنفتی کشور در مدت زمان یاد شده داشته است. باید خاطر نشان ساخت که رژیم برای تامین ارز مورد نیاز خود، کالاهای مورد نیاز بازارهای داخلی کشور را صادر می کند.

● کیهان ۳۰ تیر ماه - طی حکمی از سوی حجت الاسلام محمدرضا رهبر کشور رژیم، سرهنگ رضا نیک نژاد به عنوان رئیس جدید شهرداری جمهوری اسلامی منصوب شد. سرهنگ صمیمی رئیس سابق شهرداری طی حکم جداگانه ای به سمت مشاور وزیر کشور در امور انتظامی منصوب شده است.

● در هفته گذشته جنگ همچنان در محور سومارو میمک ادامه یافت. در اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ضمن تاکید بر شدت درگیری در مناطق حوالی میمک، اعلام شده است که در جریان این درگیری بیش از ۱۰۰۰ تن از نیروهای عراقی کشته شده اند.

مقام ارشد قرارگاه اعلام کرده است: "این طرح ها به منظور پاسخ گویی به موقع به متجاوزین که در فکر گسترش و نفوذ نظامی خود در منطقه هستند تهیه شده است و قرارگاه خاتم الانبیا به منظور بررسی این طرح ها و تصمیم گیری در مورد نحوه مقابله با متجاوزین تشکیل جلسه داد." وی هیچ گونه اطلاع مشخصی پیرامون این طرح ها ارائه نکرد. باید خاطرنشان کرد که در پی اسکورت نفتکش های کویتی توسط رزمناوهای آمریکایی و همچنین حضور ناوهای جنگی فرانسه و انگلیس در آب های منطقه، اوضاع در آب های خلیج فارس به شدت متشنج و بحرانی است.

کد مکتوبات محرمانه جمهوری اسلامی

رسالت اول مرداد ماه - روزنامه آمریکایی واشنگتن تایمز به نقل از خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که دولت فرانسه موفق شده است رمز سری و محرمانه ای که رژیم از طریق آن پیام های ویژه ای را به سفارتخانه های خود در خارج از کشور ارسال می کرد به دست آورد. واشنگتن تایمز اضافه کرد که این کد به همراه سایر اسناد نزد محسن امینی زاده دیپلمات ایرانی بود که چندی پیش در بخش فرانسوی فرودگاه ژنو توسط پلیس فرانسه بازداشت شده بود. واشنگتن تایمز می افزاید که مقامات فرانسوی از مجموعه اسناد و مدارک یاد شده عکس برداری کرده اند. بنابه نوشته این روزنامه، کد به دست آمده توسط مقامات فرانسوی، این امکان را فراهم می سازد که بسیاری از ارتباطات محرمانه رژیم با سفارتخانه های جمهوری اسلامی در خارج از کشور، کشف شود.

ستایش از مواضع پاکستان در قبال افغانستان

محمد جواد لاریجانی معاون امور بین المللی و اقتصادی وزارت امور خارجه رژیم در سفر خود به پاکستان با ژنرال ضیاالحق رئیس جمهور پاکستان و هم چنین با نخست وزیر و وزیر امور خارجه این کشور دیدار و گفتگو کرد. لاریجانی در دیدار خود با ضیاالحق، پیام شفاهی خامنه ای را به ضیاالحق تقدیم کرد. خامنه ای در این پیام مواضع پاکستان در قبال مسائل افغانستان را، مواضع روشن و صریح نامیده است و مواضع رئیس جمهوری پاکستان در حمایت از ضدانقلابیون و اشغال افغانستان را مورد ستایش قرار داده است. صاحب زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان ضمن تمجید از روابط بسیار دوستانه جمهوری اسلامی با پاکستان آثار به عنوان الگویی برای روابط سایر کشورهای مسلمان توصیف کرد.

"طرح های پدافندی" ارتش و سپاه در خلیج فارس

کیهان هوایی ۷ مرداد ماه - قرارگاه خاتم الانبیا مرکز هدایت و رهبری عملیات سپاه و ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد که در پی نشست ده ساعته فرماندهان عالی رتبه قرارگاه و فرماندهان نیروهای سه گانه ارتش و سپاه، طرح های مقابله با "تهدیدات موجود" در منطقه خلیج فارس مورد بررسی و تصویب قرار گرفته است. بنابه گزارش کیهان هوایی، یک



تفریحات کودکان و نوجوانان کشور... سفرهای کوتاه و گاه به بی بازگشت!

تمایل ژاپن به افزایش واردات نفتی از ایران

ژاپن روزانه ۲۶۵ هزار بشکه نفت از جمهوری اسلامی خریداری می کند. این در حالی است که دولت جمهوری اسلامی نسبت به افزایش نفت صادراتی خود به ژاپن تا حد ۴۰۰ هزار بشکه در روز ابراز تمایل کرده است.

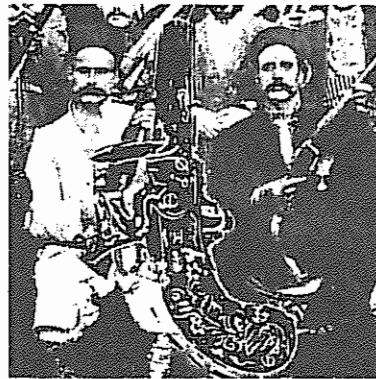
از جانب دیگر، انتشار خبر اصابت یک مین دریایی به نفتکش بریتون، باعث افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی گردید. بنابه گزارش رویتر از لندن در طول هفته های اخیر بهای نفت از حد بشکه ای ۱۸ دلار بطور مداوم رو به افزایش بوده و حتی به ۲۲ دلار نیز رسیده است.

اطلاعات ۴ مرداد - خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که در آستانه عزیمت یک هیات بلند پایه نفتی ایران به توکیو، شرکتهای نفتی ژاپنی تمایل خود را نسبت به افزایش حجم واردات نفتی خود از ایران اعلام کرده اند. نشریه "لوید ژست" چاپ لندن ضمن اعلام این خبر می افزاید مقامات دولتی و نفتی ژاپن نسبت به افزایش خریدهای نفتی خود از ایران نگران هستند. این نشریه اعلام کرده است "تکرانی مقامات دولتی و نفتی ژاپن از مساله افزایش انعقاد قراردادهای خرید نفت به مساله تشنج جاری در خلیج فارس مربوط می شود." باید خاطر نشان ساخت که براساس قراردادهای حاضر،

به مناسبت هشتاد و یکمین سالگرد انقلاب مشروطیت

انقلاب مشروطیت در ایران

واقعه‌های نظیر آن در خاور از دیدگاه لنین



همانگونه که بین انقلاب دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی دیوار چین نمی‌کشید، آسیا را در عین توجه به خودویژگی‌های آن به صورت دنیایی کاملاً مجزا از اروپا در نظر نمی‌گرفت و با اوستریسم (اروپا مرکز پنداری) رهبران ایورتونیست انترناسیونال ۲ بیگانه بود. او چهار سال پیش از اکتبر دوران سازنوشت، "تعریف طولانی یک مبارزه قطعی بر ضد سرمایه‌داری در اروپا برخی از اشخاص را که نسبت به شرایط لازمه برای آمادگی و رشد مبارزه توده‌ای دقت نداشتند، به یاس و آنارشیزم کشانده بود. اکنون ما می‌بینیم که این یاس آنارشستی تاجه اندازه حاکم از کورته نظری و کوردلی می‌باشد.

از این واقعیت که آسیای هشت صد میلیونی به مبارزه در راه همان ایده‌آل‌های اروپا جلب شده است، یاس نه، بلکه قوت قلب باید به دست دهد.

انقلاب‌های آسیا باز همان ست عنصری و دناشت لیبرالیسم، همان اهمیت فوق‌العاده استقلال توده‌های دمکراتیک، همان تجدید حدود آشکار میان پرولتاریا و انواع اقسام بورژوازی را به ما نشان داد. کسی که پس از تجربه اروپا و آسیا از سیاست غیرطبقاتی و سوسیالیسم غیرطبقاتی دم بزند، او را فقط باید در قفس نهاد و در کنار مثلاً کانگورو استرالیایی به معرض نمایش نهاد." (۷)

لنین در همان سالی که این سطور را می‌نوشت از بیداری آسیا و اعتدالی مبارزات پرولتاری در اروپا به عنوان نشانه آغاز دورانی نوین در تاریخ جهان نام برد. (۸) ما خرسندیم که ایران از کشورهای پیشتاز روند بیداری آسیا بوده است. این روند در دوران نوین با مبارزات کارگری و آگاهی سوسیالیستی در آمیخت و در کشورهایی چون مغولستان، چین، کره و ویتنام شمر داد. بدان امید که با رزم کارگران و زحمتکشان ایران به زودی شاهد به بازگشتن آن در کشور پیشتاز انقلاب در آسیا نیز باشیم.

- زیرنویس،
۱ - منتخب آثار ۶ جلدی به آلمانی -
ج ۲، ص ۸۱۹
۲ - منتخب آثار تک جلدی به فارسی -
ص ۲۵۴
۳ - به نقل از "بیداری آسیا" منتخبی موضوعی از آثار لنین - انتشارات پروکرس سن ۳
۴ - منتخب آثار ۶ جلدی به آلمانی -
ج ۵، ص ۲۲۲
۵ - منتخب آثار تک جلدی به فارسی -
ص ۲۹
۶ - منتخب آثار ۶ جلدی به آلمانی -
ج ۶، ص ۲۱۶
۷ - منتخب آثار تک جلدی به فارسی -
ص ۲۹-۳۰
۸ - مقاله "بیداری آسیا" به تاریخ ۷ مه ۱۹۱۳ - بیداری آسیا، ص ۲۲

در این زمینه نوشت: "هنوز ایورتونیست‌ها فرصت نکرده بودند به اندازه کافی از "صلح اجتماعی" و عدم لزوم توفان در "تراپیدمکراسی" مدح و تمجید کنند که یک منبع جدید بزرگترین توفانهای جهانی در آسیا کشوده شد. انقلاب روس، انقلابهای ترکیه، ایران و چین را به دنبال آورد. ما اکنون درست در عصر این توفانها و "واکنش" آنها در اروپا زندگی می‌نماییم. مقدرات جمهوری کبیر چین، که انواع گفتارهای "متعدن" اکنون دندانهای خود را برای آن تیز می‌کنند، هر چه باشد، باز هیچ نیرویی در جهان قادر نیست اصول سابق را در آسیا تجدید نماید و دمکراتیسم قهرمانانه توده مردم را در کشورهای آسیایی و نیمه آسیایی از صفحه زمین بزداید." (۵)

انقلابات و کمونیسم تاریخند. آسیا با انقلاباتی که انقلاب مشروطیت در ایران از پیشتازان آن بود، به حرکت تاریخ نوین پیوست. پس از انقلاب اکتبر و آغاز عصر گذار جهانی به سوسیالیسم، لنین توجه ویژه‌ای به آسیا به عنوان یک منبع نیرومند روند انقلاب جهانی، معطوف داشت. او در سال ۱۹۲۱ نوشت: "توده‌های زحمتکش کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره، که اکثریت نیرومند جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، از آغاز قرن بیستم به ویژه با انقلابات روسیه، ترکیه، ایران و چین، به بیداری سیاسی دست یافته‌اند." (۶)

انقلابات خاور و همه خلقهای تحت ستم، جز جدایی‌ناپذیری از روند انقلابی جهانی بوده هستند. به نظر لنین، در عصر جدید، همانگونه که هر انقلابی یکی از مراحل حرکت به سمت سوسیالیسم را تشکیل می‌دهد، انقلابات خلقهای تحت ستم به نوبه خود و در مجموع خود، یکی از اجزا و حلقه‌های گذار جهانی به سوی سوسیالیسم است. او پس از انقلاب کبیر اکتبر، با تاکید ویژه‌ای بر این موضوع انکشت گذاشت. اما لنین پیش از ۱۹۱۷ نیز بر نقش و اهمیت ویژه انقلاب در مستعمرات و نیمه مستعمرات تاکید می‌کرد. او برای ارزیابی از انقلابات ایران، ترکیه، چین و دیگر جنبشهای انقلابی هم‌سنگ آنها، از منطق بویش جغرافیای انقلاب حرکت می‌کرد. لنین،

قزاق به فرماندهی سرهنگ لیاخوف برای سرکوب جنبش انقلابی به ایران اعزام کرد. بریکاد لیاخوف در ماه ژوئن سال ۱۹۰۸ (تیر ۱۲۸۷) در تهران کودتایی ضدانقلابی انجام داد، مجلس را به توب بست و آنرا تسطیل کرد. لنین در این مورد در سال ۱۹۰۸ در مقاله "ماده سوخت در سیاست جهانی" چنین نوشت: "در ایران ضدانقلابی روی داد که به نحوی خاص خود چندهای روسی انحلال دوماي اول و قیام روسی اواخر سال ۱۹۰۵ را در خود گرد آورد. سپاهیان تزار روسیه که مغضضخانه از ژاپنیها شکست خوردند، با ابراز جد و جهد در خدمت به ضدانقلاب، انتقام می‌گیرند. پس از قهرمانی‌های آنان در تیرها و آنها و لشکرکشی‌های سرکوبی، کنگردهای غارتها در روسیه نوبت به قهرمانی‌های همان قزاقها در سرکوبی انقلاب ایران رسید. ... وضع انقلابیون ایران، در کشوری که صاحبان هندوستان از یک طرف و دولت ضدانقلابی روسیه از طرف دیگر تقریباً برای تقسیم آن بین خود آماده شده‌اند، دشوار است. اما مبارزه سرخشان در تبریز و کامیابیهای نظامی مکرر انقلابیون که دیگر - به نظر می‌رسد - به کلی منکوب شده‌اند، نشان داد که اشرار شاه حتی با کمک لیاخوفهای روسی و دیپلماتهای انگلیسی، از پایین با شدیدترین مقاومت روبرو می‌شوند. چنین جنبش انقلابی، که می‌تواند در برابر تلاش برای عودت استبداد، مقاومت نظامی نشان بدهد و می‌تواند قهرمانان این تلاشها را وادار نماید که برای گرفتن کمک به بیگانگان رجوع کنند، ممکن نیست ناپرد بشود و کامل‌ترین پیروزی ارتجاع ایران در این شرایط، فقط به مقدمه قیامهای نوین توده‌های مردم بدل می‌گردد." (۳)

لنین به آسیا به چشم منبع تازه‌ای از انرژی انقلابی می‌نگریست. آسیا تا آغاز قرن بیستم قاره لگدکوب شده‌ها بود. در آغاز قرن بیستم، آسیا نیز وارد جغرافیای انقلاب شد و "به ایغای یک نقش منفعلانه پایان داد. می‌دانیم که سال ۱۹۰۵ انقلابات ترکیه، ایران و چین را از پی آورد و در هندوستان یک جنبش انقلابی فراروید." (۴)

انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و این انقلابات آسیایی، تاثیراتی جهانی - تاریخی داشتند. لنین در سال ۱۹۱۳

لنین توجه ویژه‌ای به انقلاب مشروطیت در ایران و انقلابهای هم‌سنگ آن در هندوستان، ترکیه و چین داشته است. در مجموعه آثار لنین در ۱۶ مورد به انقلاب مشروطیت در ایران، اشاره شده است. توجه لنین در هنگام پرداختن به انقلاب مشروطیت در ایران و انقلابهای نظیر آن در آسیا، بر روی سه نکته عمده متمرکز است: تاثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بر روی این انقلابات، جایگاه تاریخی آنها، و بیداری آسیا به عنوان منبع نیروی تازه‌ای در روند انقلاب جهانی.

انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه، تاثیر شگرفی بر روی آسیا نهاد. با این انقلاب، تزاریسیم دچار بحران شد، تزاریسیمی که هم زحمتکشان روسیه را سرکوب می‌کرد و هم بخش‌های وسیعی از خلقهای خاور را. لنین، در سخنرانی‌ای درباره انقلاب ۱۹۰۵ که در ژانویه سال ۱۹۱۷ در برابر جمعی از کارگران سوئسی در شهر زوریخ به عمل آورد، در مورد تاثیر انقلاب ۱۹۰۵ روسیه بر روی خلقهای خاور چنین گفته است: "روسیه چه به لحاظ جغرافیایی و چه به لحاظ اقتصادی نه فقط به اروپا، بلکه به آسیا نیز تعلق دارد. ... انقلاب روسیه تمام آسیا را به حرکت درآورد. انقلابات ترکیه، ایران و چین نشان می‌دهند که خیزش نیرومند سال ۱۹۰۵ تاثیرات عینی از خود به جا گذاشت." (۱) لنین به دلیل همین تاثیرگذاری عمیق انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم آن و رویدادهای کمابیش هم‌زمان با آن در شرق، این انقلاب را به عنوان آغاز عصر بیداری آسیا در نظر می‌گیرد. او در این زمینه نوشته است: "در اروپای خاوری و در آسیا دوران انقلابهای بورژوا - دمکراتیک تنها در سال ۱۹۰۵ آغاز گردید. انقلابهای روسیه، ایران، ترکیه، چین، چنگ در کشورهای بالکان - اینها زنجیره حوادث جهانی دوران در "خاور" است." (۲)

انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه شکست خورد. با شکست انقلاب، ارتجاع روس هارتر شد و به انتقام‌ستانی از کارگران و زحمتکشان روسیه و صدور ضدانقلاب به خارج از روسیه پرداخت. سرکوب ایران دستخوش انقلاب، یکی از آماجهای این کینه‌نوری تزاریسیم بود. تزار بنا بر درخواست محمد علی‌شاه که بریکاد

پایان ده روز اعتصاب غذا در کلن - آلمان فدرال

اعتصاب غذا در پنج شهر آلمان فدرال

در روزهای اخیر علاوه بر شهر کلن در پنج شهر دیگر آلمان فدرال نیز، هم‌میهنان ما با برگزاری اعتصاب غذا از خواستهای زندانیان سیاسی اوین و گورهدشت حمایت کرده، همبستگی خود را با حماسه آفرینان اسارتگاههای ارتجاع ابراز داشتند. نیروهای مترقی آلمان فدرال و سایر کشورها با اعلام پشتیبانی از این اقدامات مبارزه‌جویانه، رفتار وحشیانه دژخیمان خمینی با فرزندان دربند خلق را محکوم نمودند.

● اولدنبورگ: از روز چهارشنبه گروهی از پناهندگان ایرانی با اقدام به اعتصاب غذا، مردم این شهر را از اعتصاب غذای زندانیان در شکنجه‌گاههای خمینی آگاه‌ساختند. خبر این اعتصاب در روزنامه‌ها بازتاب یافت. همچنین رادیوبرمن به مصاحبه با اعتصابگران پرداخت. از سوی نیروهای مترقی برای شرکت کنندگان در این اعتصاب پیام‌های همبستگی ارسال شد.

● نورنبرگ: از روز دوشنبه ۶ مرداد جمعی از ایرانیان آزادیخواه به منظور همبستگی با قهرمانان اوین و گورهدشت دست به اعتصاب غذا زدند.

● هایدلبرگ: گروهی از ایرانیان مترقی در هفته گذشته، به حمایت از اعتصاب غذای خشک زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زدند.

● فرانکفورت: از روز سه‌شنبه ۷ مرداد تعدادی از هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) با برپایی اعتصاب غذا نگرش خویش را از جلادان شکنجه‌گاههای خمینی بیان داشته، کوشیدند افکار عمومی مردم این شهر را به حمایت از رزم دلارائه حماسه‌سازان اوین و گورهدشت جلب نمایند. صحنه‌ای از این حرکت اعتراضی در برنامه تلویزیون فرانکفورت انعکاس یافت.

● اشتوتگارت: روز چهارشنبه ۸ مرداد گروهی از مهاجرین سیاسی ایرانی با سازماندهی یک اعتصاب غذای یک روزه، پیوند مبارزاتی خویش را با اسیران شکنجه‌گاه اوین و گورهدشت اعلام نمودند. اعتصابیون در این حرکت مردم و نیروهای مترقی اشتوتگارت را در جریان اخبار مقاومت شکوهمند زندانیان سیاسی ایران در برابر زندانبانان رژیم جنایتکار خمینی قرار دادند.

همبستگی بین‌المللی را با بانگی شورانگیز سر می‌دادند و بدین‌گونه بر پشتیبانی معنوی گرانقدری که در این پیام‌ها موج می‌زد، ارج می‌نهادند.

شرکت کنندگان در این حرکت انقلابی در دهمین روز اعتصاب غذا با صدور قطعنامه‌ای پایان اعتصاب خود را اعلام کردند. در بخشی از این قطعنامه آمده است:

"ما شرکت کنندگان در اعتصاب غذای شهر کلن - آلمان فدرال که بنابه دعوت فداییان خلق (اکثریت) به خاطر اعلام همبستگی با زندانیان قهرمان سیاسی ایران و طنز افکن ساختن فریاد رزمندگی آنان و افشای جنایات رژیم خمینی در زندان‌ها دست به اعتصاب غذا زده‌ایم، عمیق‌ترین ستایش‌ها و گرمترین درودها را به هم‌رزمان زندانی خویش ابراز می‌داریم. ما در مقابل آن همه قهرمانی و استواری سر تکریم فرود می‌آوریم. ما از همبستگی و اتحاد آنان در مقابل رژیم جنایت‌پیشه خمینی می‌آموزیم و در این راستا خواستار گسترش اتحاد سیاسی ایران هستیم."

در این قطعنامه بر خواستهای زیرتاکید شده است:

- آزادی بی‌درنگ و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی ایران، پایان دادن به هرگونه شکنجه و کشتار در زندان‌ها و اعزام هیئتی بین‌المللی برای بازدید از زندان‌های ایران.

- قطع پیگرد فعالین سیاسی و پایان یافتن ترور و اختناق در ایران.

- قطع فوری جنگ ویرانگر ایران و عراق.

- اجرای خواسته‌های برحق مهاجرین ایرانی در کشورهای اروپایی و ترکیه و پاکستان.

ارسال ۱۵۰ پیام همبستگی برای اعتصابگران در کلن، خود گواهی است بر اینکه بشریت ترقیخواه، خواستهای فوق را مورد تایید و پشتیبانی قرار می‌دهد. در این پیام‌ها مردم گیتی رزم دلاروانی را ستودند که شرکت کنندگان در اعتصاب غذای کلن، لندن، استکهلم و وین به حمایت از آنان برخاسته، خروش حماسی‌شان را از گلوی خشم خویش فریاد زدند.

دلاوران اسیر در شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی است.

خبر اعتصاب غذای کلن در ۶ روزنامه پرخواننده آلمان فدرال و ۸ روزنامه پرتیراژ جهان درج شد. ارگانهای مطبوعاتی احزاب کمونیست اروپای غربی در این میان سهم برجسته‌ای داشتند. فرستنده‌های رادیو - تلویزیونی، منجمله رادیو بی‌بی‌سی، رادیو کلن و خبرگزاری‌هایی چون فرانس پرس و خبرگزاری آلمان خبر اعتصاب را به گوش جهانیان رساندند.

تلویزیون غرب آلمان صحنه‌هایی از اعتصاب غذا را به نمایش گذاشت. بدین ترتیب علیرغم میل محافل ارتجاعی و امپریالیستی، صدای اعتراض به پیگرد، شکنجه و کشتار انقلابیون ایران و همبستگی با اعتصاب غذای خشک پای در زنجیران اوین و گورهدشت در سراسر گیتی طنین افکند.

در طول اعتصاب غذا، فدائیان خلق با انتشار ۱۱۱ مورد اعلامیه و اطلاعیه و ۵ شماره خبرنامه ویژه اعتصاب غذا به فارسی و آلمانی، با معطوفان مهاجر و مردم آلمان فدرال از جنایات حکومت قرون وسطایی ملایان و پیکار بی‌امان زندانیان سیاسی سخن گفتند.

توزیع قریب ۲۸۰۰۰ اعلامیه، اطلاعیه و آفیش به زبانهای فارسی و آلمانی در کلن و بسیاری از شهرهای دیگر جلوه درخشانی از تعهد انقلابی در نبرد افشاگرانه علیه بربریت حکومت آدمکش خمینی را به نمایش گذاشت.

از سوی احزاب و سازمانهای سیاسی مترقی، اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی، محافل اجتماعی و نیز شخصیت‌های آزادیخواه جهان بیش از ۱۵۰ پیام همبستگی برای شرکت کنندگان در اعتصاب غذای کلن ارسال گردید. در همه این پیام‌ها درخواست آزادی زندانیان سیاسی ایران و پایان دادن به سیاست ترور و اختناق در کشورمان تاکید شده، انزجار بی‌پایان از حکومت نکبت‌بار خمینی اعلام شده است. طی روزهای اعتصاب، هر بار که پیامی قرائت می‌شد، اعتصابگران شعار "زنده‌باد

با انتشار خبر پایان پیروزمندانه اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین، در شامگاه روز ۹ مرداد اعتصاب غذای ده روزه دهها ایرانی آزادیخواه که به دعوت فدائیان خلق در کلن و به منظور حمایت از اعتصاب غذای قهرمانانه زندانیان سیاسی در اوین و گورهدشت صورت گرفته بود، پایان یافت. میهن‌دوستانی که سرشار از احساس پیوندهای رزمجویانه با اسیران اوین و گورهدشت دست به اعتصاب غذا زدند، با فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" جهانیان را با گوشه‌ای از پیکار دلارائه زندانیان سیاسی ایران علیه رژیم دژخیم خمینی آشنا ساختند.

اعتصاب غذا در شهر کلن جلوه‌ای فراموش‌نشدنی از وفاداری به آرمان شکوهمند خلقی در بند را به نمایش گذاشت. آلمانی که پایمردی زندانیان سیاسی پیروزی آنرا نوید می‌دهد، آرمان آزادی.

ده روز شعر و سرود و شعار - ده روز پیام و پیوند. در این ده روز پیادماندنی اعتصابگران - پساد و خاطره یاران به خون خفته خلق را گرمی داشتند و از حماسه‌های قهرمانان دره‌بند سخن گفتند. در این اعتصاب غذا ۴ نفر از شرکت کنندگان به دلیل شرایط وخیم جسمی به بیمارستان اعزام شدند.

این اعتصاب غذا که طی چند سال اخیر در نوع خود کم‌نظیر بود با استقبال بسیاری از هم‌میهنان مقیم کلن و شهرهای اطراف مواجه گردید. خبر این اقدام رزمجویانه در رسانه‌های خبری آلمان فدرال و جهان بازتاب غرورآفرینی یافت. جهانیان باز هم نام شوم اوین و گورهدشت را شنیدند و با احترام از مقاومت زندانیان سیاسی ایرانی یاد کردند. نام شوم اوین و گورهدشت با نام نگرش انگیز جمهوری اسلامی گره خورده است. برای مردم گیتی "جمهوری اسلامی" و "خمینی" یعنی زندان، یعنی شکنجه، یعنی کشتار.

و برگی قابل تاکید در مورد اعتصاب غذا در شهر کلن بازتاب وسیع آن در داخل کشور، در میان خانواده‌های زندانیان سیاسی و در بین

افتخار بر زندانیان سیاسی، حماسه آفرینان اسارتگاههای ارتجاع

جوانان و دانشجویان آسیا و اقیانوسیه

در مبارزه برای صلح، امنیت

ترقی و دمکراسی در منطقه

ایران و عراق که سبب ویرانی عظیمی شده است، موجب نگرانی عمیق ما است. این جنگ تأثیر عظیمی بر ترقی و پیشرفت مردم هر دو کشور داشته است. این جنگ امنیت و ثبات منطقه و خصوصاً خلیج فارس را به مخاطره انداخته است و به علت سیاست‌های آمریکا خطر بین‌المللی شدن جنگ منطقه را تهدید می‌کند.

ما خواهان پایان فوری این جنگ و بازگشت طرفین به مرزهای بین‌المللی قبل از آغاز جنگ و حل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز و برقراری صلحی عادلانه و دمکراتیک هستیم...

شرکت کنندگان در کنفرانس همچنین "همبستگی رزمجویانه خود را با دانشجویان هم‌رزم خود و سایر اقشار مردم که در شرایط دشواری در ایران و دیگر کشورهای ستمدیده منطقه از جمله پاکستان، کره جنوبی، عربستان سعودی و ... مبارزه می‌کنند اعلام داشتند."

تظاهرات پناهندگان علیه جنگ

● اواسط ماه گذشته، در شهر "فروتن" در ایالت هادن آلمان فدرال، جمعی از پناهندگان سیاسی ایرانی، در اعتراض به ارسال سلاح به رژیم جنگ افروز خمینی، محکوم کردن شکنجه و اعدام‌های دسته‌جمعی در زندان‌های جمهوری اسلامی و همچنین برای حمایت از اعتراض متقاضیان پناهندگی در ایالت بایرن به تضييقات دولت این ایالت، اقدام به تظاهرات نمودند.

تظاهرکنندگان با حمل پلاکارد و پخش اعلامیه‌های افشاگرانه در رابطه با جنگ خونین ایران و عراق، و حمایت از مطالبات قانونی و انسانی متقاضیان پناهندگی در ایالت بایرن، شهروندان آلمانی را به پشتیبانی از خواسته‌های مشترک تظاهرکنندگان فراخواندند. خبر این تظاهرات در دو روزنامه معتبر محلی بازتاب داشت. این تظاهرات اولین حرکت جمعی و متحد ایرانیان در این شهر بود.

به ابتکار "اتحادیه انقلابی جوانان مغولستان" در پایتخت این کشور "اولان باتور" از ۲۱ تا ۲۳ ژوئن ۱۹۸۷ کنفرانسی با عنوان "جوانان و دانشجویان آسیا و اقیانوسیه در مبارزه برای صلح، امنیت، ترقی و دمکراسی در منطقه" برگزار شد. در این کنفرانس نمایندگان ۲۳ کشور و ۸ سازمان بین‌المللی جوانان و دانشجویان شرکت داشتند. از کشورها نمایندگان سازمان جوانان پیشگام ایران و سازمان جوانان دمکرات در این کنفرانس حضور داشتند. نمایندگان ایرانی کنفرانس در جریان بحث و گفتگوهای این گروه‌های منطقه‌ای و دیدار با میثت‌های نمایندگی سایر کشورها به تشریح اوضاع میهن‌مان، شرایط زندگی جوانان ایرانی و مبارزه آنان در راه صلح، آزادی و دمکراسی پرداختند. سازمانهای جوانان و دانشجویان آسیا و اقیانوسیه در قنصلخانه‌ای در این کنفرانس تصریح کردند، "جنگ خانمانسوز و مخرب

● اوایل ماه گذشته، انجمن کردهای مقیم شهر "لین شوپینگ" سوئد، طی فراخوانی علیه جنگ و کشتار مردم بی‌گناه در بهارن‌های شیمیایی دو رژیم جنایتکار ایران و عراق، ایرانیان ساکن این شهر را به برپایی یک تظاهرات اعتراضی دعوت کرد. در این تظاهرات که متعاقب بهارن شیمیایی سردشت صورت گرفت، تعدادی از ایرانیان، با حمل پلاکاردهایی افشاگرانه و توزیع اعلامیه‌هایی به زبان سوئدی مردم این کشور را در جریان جنایات وحشیانه و فجیع دورژیم جنایتکار قرار دادند.

تظاهرات اعتراضی ایرانیان در شهر "لین شوپینگ" در بین شهروندان سوئدی بازتاب گسترده‌ای یافت. شهروندان سوئدی با ابراز تنفر از جنگ ویرانگر، رژیم خمینی را به‌خاطر پافشاری بر تداوم جنگ محکوم کرده و حمایت پر شور خود را از خواسته‌های تظاهرکنندگان اعلام کردند.

نامه‌های زندان

ناظم حکمت

عزیزم!
از اینکه به دنیا آدم خوشحالم دنیا را دوست دارم خاکش را، مبارزه‌اش را، نانش را و روشنیهایش را و زمین در باورم سخت بزرگ است با آنکه نمی‌دانم اندازه قطرش را. و با آنکه می‌دانم چه حقیر است در برابر آفتاب، هوای جهانگردی داشتم می‌خواستم ببینم، ماهی‌ها، میوه‌ها و ستارگان را که ندیده‌ام

اما میدانی که من تنها در نوشته‌ها و تصویرها راهی اروپا شدم و هرگز، نامه‌ای نداشتم که مهر آبی آسیا بر آن باشد.

من و بقال مجله
هر دو در آمریکا ناشناخته‌ایم

ولی با آن همه
مرا، از چین تا اسپانیا، از دماغی امید تا آلاسکا
دوست و دشمن بسیار است،
در هر کیلومتر و در هر مایل دریائی.

دوستانی که:
توانستیم حتی یکبار همدیگر را ببینم

اما می‌توانیم با هم بمیریم
بخاطر نان مشترک
آزادی مشترک
و حریت مشترک.

و دشمنانیکه: به خونم تشنه‌اند و در پی خونشانم

هیچ می‌دانی چرا
این چنین پرتوانم؟
من در این دنیای پهناور تنها نیستم.
دنیا و انسانهای آن نه در دلم بصورت رازند
و نه در دانشم به شکل معما.

من، در این دنیای پهناور
با اندیشه‌ای رها از پرسش

بی هیچ تفکر و تردید
به صف مبارزه‌ای بزرگ پیوستم

که در وای این صف
زمین و تو
بسنده نیست مرا.
با آنکه تو
بسیار زیبایی
و زمین سخت گرم و خوب.

گفتار را نمی توان رام کرد

فشرده مقاله ای از،
ولودیا تایتل بوم، عضو هیات سیاسی
کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی



فراخوان خود به خلق پس از کودتای فاشیستی، در یازدهم اکتبر ۱۹۷۲، رژیم پینوشه را فاشیستی ارزیابی کرد. حزب، رژیم پینوشه را کمین توژترین دشمن هر گونه آزادی و دموکراسی خواند که حقوق بشر را بی رحمانه لگدکوب می سازد و هر آنکس را که بی قید و شرط به عامل دیکتاتوری تبدیل نشود، سرکوب می کند. در آن زمان، برای حرف ما گوش شنوایی نبود. ما کمونیستها و متحدانمان، سوسیالیستها و بسیاری از مسئولین "اتحاد مردمی" (ائتلاف متکثر از کمونیستها، سوسیالیستها، سوسیال دموکراتها، رادیکالها و چند حزب و سازمان چپ دیگر که در دسامبر ۱۹۶۹ تأسیس شد - "مسائل صلح و سوسیالیسم")، پس از آنکه واقعیت تلخ آن روزها را به دقت و بطور عینی و در مقایسه با تجارب فاشیسم هیتلر، موسولینی و فرانکو و رویدادهای سایر کشورها سنجیدیم، ماهیت واقعی فاشیسم وابسته ای را که کریهات کشور ما را گرفت، دریافتیم. رژیم، از لحاظ ماهیت و عملکرد شوم خود با دیگر رژیم های فاشیستی فرقی نداشت، بلکه تنها در شیلی نقشه مشخصی را دنبال می کرد، برپایی دیکتاتوری نظامی "بی پایان". برخی سیاستمداران متعلق به سرآمد بورژوازی، همچنان علیرغم واقعیات آشکار که پیوسته در تضاد با امیدهای آنها قرار دارد، بدین امید بسته اند که بدون مبارزه و بدون سرنگونی پینوشه نه تنها بتوانند آزادی عمل بدست آورند، بلکه به قدرت، یعنی رویای دیرین خود نیز دست یابند. آنها بدین هدف بسیار بیش از احیای دموکراسی علاقمندند. هرشی، تا امروز نیز درک نکرده اند که تلاش برای رام کردن یک گفتار، محکوم به شکست است. آنها همچنان گمان می کنند خواهند توانست بهر ازین کنند.

چرا ما از سیاست خیزش توده ای دفاع می کنیم

ما کمونیستها معتقدیم که دوره پس از کودتا به دو مرحله بزرگ تقسیم می شود، سالهای تا ۱۹۸۰ و پس از آن.

در مفت ساله نخست، ماهیگاه دست از مبارزه نکشیدیم. ما اپوزیسیون را به عمل مشترک و یکپارچه فرامی خواندیم، اما بطور مکرر با عدم تفاهم دیگران روبرو می شدیم. در پایان این مرحله، پیوستن برخی سیاستمداران میانه و چند سیاستمدار راست سنتی، به اپوزیسیون چپ آغاز شد. در سال ۱۹۸۰، دورویداد مختلف، اما در پیوند با یکدیگر، گذار به فاز کنونی را رقم زدند. همه برسی کاریکاتوروار پینوشه، که از طریق آن یک شبه قانون اساسی "تصویب" شد، و پیانیه حزب کمونیست، که از طریق دبیر کل خود، لویس کوروآلن، گذار به سیاست خیزش توده ای خلق را اعلام کرد.

قانون اساسی "رژیم پینوشه، سندی است که از سوی اپوزیسیون به ندرت خوانده می شود. این درست نیست، زیرا با مطالعه دقیق آن، روشن می شود که دیکتاتوری می خواهد قدرت خود را تا زمان نامعلومی ادامه دهد، یا به عبارت دقیق تر، نه تنها تا پایان این قرن، بلکه همچنین تا سالهای هزاره سوم. اخیراً پینوشه در مصاحبه ای "با ال مرکوریو" بدین امر مباحثات کرد که در شیلی خوشبختانه همه چیز

حد نزد زحمتکشان محبوب نبوده است. حتی تئوریسین های بورژوازی اعتراف می کنند که کمونیستها هم اینک از پرنفوذترین نیروها در کشور هستند. نفوذ معنوی کمونیستها نیز که ریشه در وفاداری بی خدشه آنها به منافع خلق زحمتکش دارد، افزایش یافته است. بیهوده نیست که حزب کمونیست شیلی به عنوان مدافع خستگی ناپذیر یکپار مصممانه در راه یکپارچگی کل اپوزیسیون شناخته شده است.

هر حزب سیاسی، می تواند مرتکب اشتباه شود. اما در شیلی، سیاستمداران راست و سانفریست همواره بسیار کوتاه بین بوده اند. همانگونه که همه می دانند، توطئه علیه دولت قانونی پرزیدنت آلنده، از واشنگتن هدایت می شد. واشنگتن این ماجرای شوم را نه تنها مورد پشتیبانی مالی قرار داد، بلکه به تدریج، پخت قابل توجهی از بورژوازی را نیز که احزاب آن از کودتا حمایت کردند، در آن سیم کرد. "ژنرال های بی درجه" ای پیدا شدند که رژیم دموکراتیک را از درون تخریب می کردند و از پیش، از خوشحالی دستان خود را به هم می مالیدند. آنها چنین محاسبه کرده بودند که نظامیان، "کارکثیف" را برایشان انجام خواهند داد، در کشور حمام خون به راه خواهند انداخت و باز، سانفریستها را استوار بر مسند قدرت خواهند نشاند، یعنی نیروهای معروف و شوم "نظم"، "آدم های مورد احترام"، کسانی که برای برپایی یک دولت محافظه کار از نوع کهنه، آماده می شدند. چه ساده لوحی فاجعه آمیزی! حزب کمونیست، برای اثبات اینکه این نیروها، کشور را به دایمی می کشانند که در آن پشت سر همه ما بسته خواهد شد، همه دلایل و براهینی را که به ذهن می رسید، مطرح کرد. اما "آدم های مورد احترام" کر بودند. اگر این درست باشد که خطاکاران پشیمان، به بهشت خواهند رفت، شیلی امروز کمترین تشابهی به بهشت عدن ندارد. متأسفانه، درسهای گذشته ای نه چندان دور، امروز نیز از سوی بسیاری نادیده گرفته می شود.

فاشیسم "رام"

حزب کمونیست شیلی در همان نخستین

شیلی آرام نمی گیرد. پینوشه دیکتاتور، از نظر خلق شیلی "عصمر نامطلوب" است. مردم شیلی تا سرنگونی پینوشه از پای نخواهند نشست. در این پیکار سخت، حزب کمونیست شیلی جایگاه ویژه ای دارد. ما در شماره های گذشته نشریه "اکثریت"، رویدادهای شیلی را از دیدگاه حزب کمونیست شیلی بازتاب داده ایم. از جمله، مقالاتی به قلم ولودیا تایتل بوم، عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، در "اکثریت" به چاپ رسیده است. ولودیا تایتل بوم، در سال ۱۹۱۶ متولد شد. وی در سال ۱۹۲۲ به عضویت حزب کمونیست درآمد و در سال ۱۹۴۵ به عنوان عضو هیات سیاسی برگزیده شد. تا سال بوم، که سیاستمدار، نویسنده و روزنامه نگار برجسته ای است، تا کودتای فاشیستی ۱۹۷۲ نماینده مجلس سنای شیلی بود. وی هم اکنون سردبیر نشریه شیلیایی "آراوکاریاد شیلی" است که در مادرید انتشار می یابد.

مقاله خلاصه شده زیر، از شماره ۷ سال جاری "مسائل صلح و سوسیالیسم" برگرفته شده است. این مقاله به تحلیل موقعیت رژیم پینوشه و جبهه مخالف آن می پردازد.

قریب به ۱۴ سال دیکتاتوری پینوشه، سیاه ترین و غم انگیزترین دوره در تاریخ خلق شیلی، تاریخ کل ملت شیلی، و برای حزب ما، سالهای سخت ترین آزمونها بوده اند. برای پینوشه، کمونیسم دشمن شماره یک است. بدیهی است که این امر، مایه افتخار ما است! همین اواخر، دیکتاتور - برای چندمین بار - نفرت بیمارگونه خود را از مامورد تاکید قرار داد. وی در مصاحبه ای با نشریه "ال مرکوریو" گفته خود را که از فرط تکرار، مضحک شده است، بار دیگر بیان کرد و اظهار داشت رئیس جمهور کنونی، تنها یک هدف دارد، تسویه حساب نهایی با کمونیستها. در واقع نیز، دیکتاتور هنگام کودتای ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲ سوگند خورد حزب کمونیست را نابود سازد. وی گمان می کرد با قتل هزاران کمونیست، خواهد توانست به این هدف خود جامه عمل بپوشاند. اما حزبی که این آقای سخت کوش، می خواست با آن "تسویه حساب نهایی" کند، زنده و کاملاً سالم است. حزب، هیچگاه بدین

روبراه است و مسئله‌ای وجود ندارد. هر گاه او بمیرد، دیگری جای او را خواهد گرفت، و در صورت لزوم نفر سومی نیز برگمارده خواهد شد. ژنرال افزود که تداوم حیات رژیم از سوی نیروهای مسلح، که طبق "قانون اساسی" نامبرده از طریق شورای امنیت ملی نوعی "ابردولت" هستند، تضمین می‌شود. به عبارت دیگر، در قرن بیست و یکم هر رئیس‌جمهور غیرنظامی مترسک نظامیان خواهد بود. این خواست دیکتاتوری است.

سیاست خیزش توده‌ای خلق، که توسط حزب ما تدوین شده، این کوشش دیکتاتور برای ابدی کردن قدرت خود را مدنظر قرار می‌دهد. هر همه روشن است که با این نقشه‌ها تنها زمانی می‌توان مقابله کرد که به تمام و کمال به مبارزه پرداخته شود، همانگونه که کمونیستهای شیلی از آغاز چنین کرده‌اند. اما این را نیز می‌دانیم که حتی سیاسی مقاومت اشتی ناپذیر در برابر فاشیسم، هرگاه از همه اشکال مبارزه طبقاتی استفاده نشود، بی‌تاثیر می‌ماند. بایک دیکتاتوری خشن، نمی‌توان تنها با شیوه‌های پارلمانی مقابله کرد، و در برابر آن نمی‌توان رفتاری نظیر رفتاری در فبال دولت یک دموکراسی پارلمانی بورژوازی داشت.

نباید فراموش کرد که کمونیستها در سال ۱۹۶۹ به خیابانها آمدند تا از دولت دمکرات مسیحی ادوارد و فرشی در برابر ژنرال شورشی و یو حمایت کنند. بنیادگذار حزب ما، لوئیس امیلیو ریکابارن نیز، هنگامی که در سال ۱۹۲۴، از آرتورو لساندری، رئیس جمهوری که توسط نظامیان برکنار شده بود، حمایت کرد، چنین روشی در پیش گرفت. ما از این طریق احترام خود را به نهادهای دمکراتیک نشان دادیم، در حالیکه در هر دو بار، حزب اپوزیسیون بودیم. اما هنگامی که باند نظامیان در سال ۱۹۷۲ دست به کار یورش به نظام قانونی شد، دمکرات مسیحی‌ها به وظیفه خود عمل نکردند. چه کسی از دمکراسی دفاع کرد، و چه کسی آن را از حمایت خود محروم ساخت؟ ما این سؤال را از این روم طرح می‌کنیم که آنهایی که آن روز گذاشتند رویدادها روال خود را طی کنند، امروز بطور خستگی‌ناپذیر انسانهایی را که در راه قدرت خلق جان دادند، متهم به خصومت با دمکراسی می‌کنند. هیچ‌کس قادر نیست حزب کمونیست را در ۶۵ سال موجودیت آن، حتی متهم به یک اقدام ضد دمکراتیک کند. هیچ‌کس، زیرا زندگی‌نامه حزب ما از این لحاظ کاملاً بی‌نقص است.

اما ما باید هنوز تشریح کنیم که منظورمان از "خیزش توده‌ای خلق" چیست. این فرمولبندی نوین، در چارچوب کلاسیک تمایز میان مبارزه "مسالمت‌آمیز" و "مسلحانه" نمی‌گنجد. به عبارت دقیق، این خیزش نه این‌ونه آن است، بلکه گونه‌ای کاملاً جدید از عمل است که نظیر آن در تاریخ شیلی یافت نمی‌شود. علت آن، استعداد نظامی-فاشیستی است که دچار این باور دیوانه‌وار است که خواهد توانست با سرکوب خشن، برای همیشه هرمنند قدرت بماند. دیکتاتوری، می‌خواهد همه ملت را به زور اسلحه تبدیل به کله‌ای رام سازد. حزب ما در طرح شعار خیزش از این امر حرکت می‌کند که نه می‌توان از کوره راه مذاکرات با پیونوش به آزادی دست یافت و نه باید به بروز ناگهانی آزادیخواهی امپریالیسم آمریکایک دیکتاتوری را بر سر کار آورده است، امید هست. راه آزادی را دلاوری همه مردم

شیلی هموار می‌کند که از تنها راه ممکن، یعنی اعمال فشار سازمان یافته از سوی یک اپوزیسیون یکپارچه و مصمم، برای آزادی می‌روزمند.

دو صفت اطلاق شده به واژه "خیزش"، در نظر نخست مترادف به نظر می‌رسند: توده و خلق. اما این دو صفت، اگر چه در پیوند باهمند، یکسان نیستند. در هر دو واژه، کثرت عامل فعال مورد تأکید قرار می‌گیرد و این اندیشه ابراز می‌گردد که وظیفه خیزش نه توسط یک گروه و نه توسط اقلیتی از مردم، بلکه تنها از سوی اکثریت ملت قابل انجام است. این اکثریت، به عنوان توده‌ای که از دیکتاتوری ناراضی و خواهان پایان دادن بدان است، موجودیت دارد. اما در این طیف گسترده، هنوز بخشهای وسیعی وجود دارند که بر آنها انفعال حاکم است و فاقد ست‌گیری هستند. همه اپوزیسیون بالقوه، همانک با زمان نیست و خود را هنوز بطور کامل وقف آزادی نکرده است. مهم آن است که آنهایی را که از رژیم به خشم آمده‌اند، اما هنوز تحولات را بطور منفعل دنبال می‌کنند، جذب مبارزه کنیم.

شیوه‌های کهنه و نو

باید تأکید کرد خیزش توده‌ای خلق، قیامی علیه دیکتاتوری با موثرترین شیوه‌ها برای سرنگونی آن است، از جمله اشکال کهن و نوین مبارزه در شرایط کنونی، شیوه‌های سنتی و خود ویژه زندگی سیاسی در شیلی که از سوی لبقه کنارگر و خلق به کار گرفته می‌شوند، اعتبار خود را حفظ کرده‌اند. این امر، بطور یکسان شامل کار در حزب، در سندیکاها، در میان مردم، دانشجویان، زنان، در دانشگاهها و یا در محافل روشنفکران می‌گردد. در این رابطه، خواستهای ویژه هر یک از این گروه‌های مردم، تابع هدف سیاسی مشترک پایان دادن به استبداد هستند. اما کاملاً آشکار است که این وظیفه را نمی‌توان تنها با شیوه‌های کهنه انجام داد. این، درسی است که خلق شیلی از تجربه سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۰ گرفته است. ما می‌بایستی نو را جستجو می‌کردیم، راههای نوین مطابق با شرایط تغییر یافته (امور می‌نمودیم تا قادر می‌گردیدیم مبارزه با دیکتاتوری خون‌آشامی را که می‌خواهد در شیلی چرخ تاریخ را از حرکت بازدارد، با موفقیت پیش ببریم.

این دیالکتیک مبارزه، باعث پیدایش افکار و شیوه‌های عمل نوین شده است. وسایل مبتکرانه‌ای یافته می‌شود و ذخایر، بسیج می‌گردد. این ایده‌ها، نه از تخیل شکوفان این و آن، بلکه از تجربه مبارزه، از ضرورت و ابتکار، از درایت و نبوغ خلق توده‌ها تراوش کرده‌اند. بعنوان نمونه، می‌توان از اشکال مختلف مبارزه منفی نام برد. حتی دمکرات مسیحی‌های شناخته شده نیز از این لفظ استفاده می‌کنند. اشکال مبارزه منفی، به ویژه در محلات فقیرنشین، در میان زحمتکشان و بیکاران، در سازمانهای پستگان قربانیان فاشیسم، در میان زنان، دانشجویان، روشنفکران و انتشار گسترده جوانان ترقیخواه بوجود آمده‌اند. آنگاه اعتراضات آشکار نیز به وقوع پیوست. خلق، شروع به ساختن سنگر و کشودن آتش تدافعی کرد. تنها آن زمان بود که برای نخستین بار، بنیادهای دیکتاتوری به لرزه درآمد، زیرا تنها ابزاری که می‌توان با کمک آن، ستون فقرات دیکتاتوری را شکست و آن را پودر انداخت،

ضربات لاینقطع و هماهنگ توده‌های مردم است. یک عامل دیگر را نیز باید در نظر گرفت، و آن کوشش ما برای درس گرفتن از آن چیزی است که حزب ما با انتقاد از خود، آن را "سوتفاهم تاریخی" خوانده است. این، یک مسئله بسیار سابقه است. بطور سنتی، آمریکای لاتین عرصه حکومت دیکتاتوریهایی نظامی ارتجاعی بوده است. به ما از کودکی آموخته بودند شیلی در میان همه کشورهای این قاره، استثنا به شمار می‌رود. دیه‌کو پورتالس (سیاستمدار نماینده منافع الیگارشی شیلی که در سال ۱۸۲۰، عللاً رئیس‌جمهور کشور شد و به شیوه‌ای استبدادی حکومت می‌کرد - "مسائل صلح و سوسیالیسم")، ما را "انگلیسی‌های آمریکای لاتین" می‌نامید. این افسانه‌های دوران کودکی، همه ما را به سادگی خام کرده بود. بیداری، دهشتناک بود. مردم را دائماً یک سؤال آزار می‌داد، چرا دولت قانونی پرزیدنت آینده نتوانست خود را حفظ کند؟ این سؤال پاسخی می‌طلبد، آنهم نه پاسخی صرفاً تاریخی، بلکه پیش از هر چیز با چشمداشت به دوره حاضر، یعنی از این لحاظ که چگونه می‌توان به دیکتاتوری فاشیستی خاتمه داد، آینده‌ای خایسته را تأمین نمود و در برابر نسلهای آتی تضمین کرد که چنین فاجعه‌ای تکرار نخواهد شد.

این اندیشه‌های عمیق و توأم با تکرانی، هم اینک ذهن کمونیستها را مشغول کرده است. آنها به خود، بلکه به منافع کل خلق، کل ملت، به منافع دمکراسی هم اینک، فردا و پس فردا می‌اندیشند!

ارتش اختصاصی الیگارشی

پورتالس در زمان خود، نیمی از ارتش را منحل کرد و بن الوری پلیس دوره استعماری، یک "کارد ملی" ایجاد نمود که می‌بایست از منافع الیگارشی محافظت می‌کرد. در قرن ما، پس از آنکه در سال ۱۹۲۲ یک جمهوری سوسیالیستی اعلام شد، (در چهارم ژوئن ۱۹۲۲ افسران عالی‌رتبه نیروی هوایی دست به کودتا زده و اعلام "جمهوری سوسیالیستی" کردند، اما این جمهوری تنها ۱۲ روز عمر کرد و بایک کودتا سرنگون شد - "مسائل صلح و سوسیالیسم") رانها نیز یک ارتش ۵۰ هزار نفره ویژه ایجاد کردند و آن را "شه نظامیان جمهوریخواه" نامیدند.

هم اکنون آرامش از مرتجعین سلب شده است. خلق، که قربانی خیانت برزگی شده، به تدریج، کام به کام و در روندی دردناک به جایی رسیده است که از تاریخ درس بگیرد. خلق، می‌خواهد دریابد چرا توده‌ها که حقیقت را در جانب خود دارند، ملبه‌یک اقلیت ماوار ارتجاعی می‌گردند، اقلیتی که بر "حقیقت" آنکه زورمندتر است، انگشت می‌گذارد. آیا خلق، حق دفاع از خود ندارد؟ آیا اگر خلق می‌کوشید جان ۲۰ هزار شیلیایی را که تنها از این رو توسط پیونوش و دژخیمانش کشته شدند که سلاجه‌اند در دست مردم، بلکه در دست فائتلان بود، نجات دهد، مرتکب جنایت می‌شد؟ آیا جلوگیری از مرگ توکابل خیمز، خوزه مانوئل پارادا، مانوئل گرو و سانتیاگو ناتیئو (دژخیمان پیونوش این چهار میهن‌پرست را به شیوه‌ای بسیار جنایتکارانه به قتل رساندند، کلوی آنها را پریدند - "مسائل صلح و سوسیالیسم") جنایت می‌بود؟ آیا جنایت می‌بود اگر بقیه در صفحه بعد

موقعیت "پات"، در خلیج فارس...

بقیه از صفحه آخر

فارس، اعزام ناو هواپیمابر "کلما نسو" به منطقه خاور میانه است. این ناو هفته گذشته بندر تولون فرانسه را ترک کرد تا در منطقه خاور میانه، از "منافع فرانسه" دفاع کند. بریتانیا نیز برای اسکورت یک نفت کش کویتی که تحت پرچم جبل الطارق مستعمره لندن در آمده است، به کویت قول مساعد داده است.

پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت، که انزوی بین المللی رژیم ملایان را بار دیگر نشان داد، تلاش های دیپلماتیک برای وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش این قطعنامه وارد دور جدیدی شده است. ورنستف، معاون وزیر امور خارجه شوروی، هفته گذشته برای انجام مذاکراتی درباره چگونگی اجرای قطعنامه، به بغداد رفت. خبرگزاریها گزارش دادند وی پس از بغداد، از تهران نیز دیدار خواهد کرد. پرزیدوکوشیار، دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در نیویورک با طارق عزیز وزیر خارجه عراق مذاکراتی به عمل آورد. وی همچنین از طریق گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال، در جریان محتوای مذاکرات اوپالایینی قرار گرفت. هفته های آینده، نشان خواهد داد این تلاشها تا چه حد به نتایج معینی می انجامد. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق، در پاریس خواستار تصویب قطعنامه دیگری در شورای امنیت سازمان ملل شد که برای متخلف از فراخوان صلح، مجازاتهای بین المللی پیش بینی کند. باتوجه به جنگ طلبی رژیم فقها - که در پیام هفته گذشته خمینی به زائران مکه نیز بار دیگر بازتاب یافت - برای پایان دادن به جنگ، مجازاتهای بین المللی، تنها راهی است که در برابر سازمان ملل متحد باقی خواهد ماند.



نفت کش کویتی بانام ویرچم امریکایی

دمکرات مسیحی، سوسیال دمکرات و رادیکال و نیز جمهوریخواهان راست و چپش لیبرال - "مسائل صلح و سوسیالیسم"، و تا درجه معینی "تفاهم ملی" (پیمان سیاسی امضا شده توسط اتحاد دمکراتیک و چند گروه بندی راست - "مسائل صلح و سوسیالیسم")، که از ابتدا حزب ما و سایر اعضای "چپش دمکراتیک مردمی" را تحریم کرده اند، از این زاویه قابل توضیح است. پیاد آوریم که حزب کمونیست شیلی از آغاز، تشکیل ائتلاف واحدی از اپوزیسیون را پیشنهاد کرده بود. برای ما، اطلاع از تشکیل اتحاد دمکراتیک، که رزمندترین نیروهای اپوزیسیون را در برنسی گرفت، غیرمنتظره بود. این اقدام، به معنای واقعی، ضربه ای به اتحاد و مغایر با سیاست دایمی ما برای یکپارچه کردن صفوف همه مبارزان علیه استبداد بود.

ما بلاانحراف به مشی اتحاد اپوزیسیون وفادار می مانیم. ما پیوسته به همه آنهايي که با رژیم مقابله می کنند، پیشنهاد اتحاد عمل می دهیم. اهمیتی ندارد که بدان اتحاد، همکارایی، تفاهم متقابل و یا توافق اطلاق شود. البته باید عنوان معینی برای آن یافت، اما این، مسئله اصلی نیست. این مسئله حائز بیشترین اهمیت است، برای چه به اتحاد نیازمندیم؟ ما مرکز اتحاد را برای این پیشنهاد نمی کنیم که به دیکتاتوری تن دهیم، در برابر وزارت خارجه ایالات متحده زانو زنییم و دعاکنان منتظر آن باشیم که از آسان، آزادی را به ما دهند. ما باید متحد شویم تا واقعا با مبارزه به دمکراسی دست یابیم. و این امر هزاران بار ثابت شده است که دمکراسی را تنها با مبارزه می توان بدست آورد. خیزش ملی باید شامل همه آنهايي گردد که می خواهند فاشیسم را از میان بردارند. این راه، به نظر ما بهترین راه است.

چپ باید آرایش قوای خود را تغییر دهد

این امر باید مورد تاکید ویژه قرار گیرد که نیروهای چپ همواره آمادگی رزمی بیشتری نسبت به سیاستمداران میانه و راست دارند. این دقیقاً وظیفه مهم نمایندگان خلق است که در برابر چشمان خلق، مانورهای رژیم را افشا کنند، مانورهایی که رژیم به کمک آن می خواهد از طریق ترسیم دورنمای واهی انتخابات "آزاد" وعده داده شده توسط پینوشه، خلق را فلج سازد. سخن کوتاه، ما می گوئیم، برای پیچ خلق، که به ستوه آمده و خواهان تحقق فوری دمکراسی است، نیروهای چپ باید خود را تجدید سازمان دهند. در تاریخ شیلی نمونه هایی وجود دارد که چپ ها توانستند به اهداف بزرگی دست یافته و نقش تعیین کننده ای ایفا کنند. چپ توانست در سال ۱۹۳۸ با اتحاد در جبهه خلق در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود. همین امر در سال ۱۹۷۰ با تکیه بر "اتحاد مردمی" امکان پذیر گردید. موقعیت کنونی در شیلی، بیش از هر زمان مستلزم آن است که چپ، باردیگر آرایش قوای خود را تغییر داده، در یک کل واحد ادغام شود. ما به اپوزیسیونی یکپارچه نیاز داریم که هر روز حرکت جدیدی به چپش دهد، پویایی و روحیه رزمی آن را ارتقا بخشد و در شیلی، فاصله میان خلق متحد علیه دیکتاتوری و رهبری احزاب که تاکنون نتوانسته اند توافق کنند را پر کند.

کفتار را نمی توان...

بقیه از صفحه قبل

کوشش می شد از "ناپدید شدن" ۲۵۰۰ شیلیایی و یا زنده زنده آتش زدن دو جوان - رودریگو روخاس و کارمن کوئینتانان (که پگوشه ای معجزه آسازند ه ماند) جلوگیری شود؟ آیا خلق شیلی تنها به صرف اینکه پینوشه در حسرت قطع سراو می سوزد، تعهد دارد سر خود را زیر تیر پینوشه بگیرد؟ چه کسی است که چرات کند منکر حق مردم در دفاع مشروع از خود و قیام شود، حتی که در اکثر قوانین و حتی در بیانیه عمومی حقوق بش سازمان ملل متحد تصریح شده است. "حق شورش" پیش از هزار سال پیش برای مردم به رسمیت شناخته شده است. توماس آکین (نظریه پرداز کلیسای کاتولیک در قرون وسطی - "اکثریت") "شورش" را هنگامی که تنها راه برای جایگزینی یک قدرت نامشروع توسط قدرتی که به عدالت واقعی احترام می گذارد، باشد، مجاز شمرده است. واقعیات نشان می دهند که در شیلی امروز، این تنها راه ممکن است. بگذریم از اینکه آنهايي که دست به کودتای فاشیستی زدند، خود دعوت به شورش کردند. و همه آنهايي که از کودتاچیان پشتیبانی و با آنها همراهی کردند، طرفدار شورش بودند. البته این بدان معنی نیست که سایر اشکال مبارزه، ارزش خود را از دست داده اند. همه راههایی که به آزادی شیلی می انجامند، خوب و مناسبند. اما راه حل برزیلی، اروگوئه ای و آرژانتینی، در کشور ما قابل اجرا نخواهند بود، زیرا دیکتاتوری، خودکام تر از آن است که بگذارد چنین شود. این حکومت، استبدادی است که حاضر به تحمل هیچ اراده ای جز اراده خود نیست.

شعارهای یکپارچگی کامل اپوزیسیون است

نباید گذاشت سال ۱۹۸۷ برای خلق به سال از دست رفته تبدیل شود. بدین منظور چه باید کرد؟ تنها چاره، وحدت و مبارزه است. البته در ۱۳ سال گذشته یکپارچه کردن کل اپوزیسیون مقدور نگردید. چرا؟ برای این امر، دلایل بسیاری وجود دارد، از جمله علی که به سختی می توان از میان نشان برداشت. از آن جمله است منافع تنگ نظران طبقات استثمارگر، پیشداوربهای ریشه دار و نفوذ دامن دار و تحمیل گونه امپریالیسم در طرز فکر و عمل سیاستمداران. اپوزیسیون شیلی، امروز طیفی از نیروهای سیاسی نامگون است، از راستا که یک پایشان در اردوگاه دیکتاتوری است تا یکپارچه ترین چپ ها.

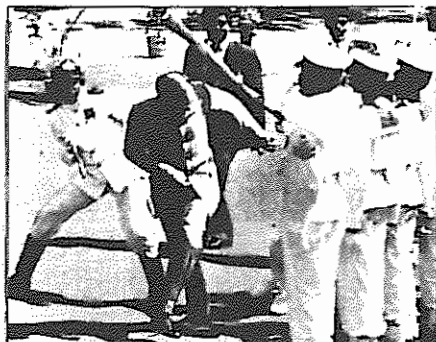
سیاستمداران میانه و راستها، که از واشنگتن الهام می گیرند و حمایت می شوند، دامن و پیگیرانه می کوشند نیروهای چپ را دچار تفرقه سازند. آنها در طول سالها با تلاشهای وسیع موفق شدند "اتحاد مردمی" را متلاشی سازند. اما باید اذعان داشت همه گونه نیروی متماثل به پراکندگی در درون این بلوک، که در دوره حکومت آلنده باعث بسیاری از دشواریها شدند، به تلاشی آن کمک کردند.

مخالفان ما، می خواهند در زندگی سیاسی شیلی، نیروهای متحد و یکپارچه چپ موجود نباشند. آرزوی آنها این است که یک ترکیب میانه - راست با حد معینی از "چاشنی چپ" قدرت را در دست گیرد. شکل گیری "اتحاد دمکراتیک" (متشکل از احزاب

تشکیل اتحاد جدید در لبنان

۱۳ سازمان چپ و مسلمان در لبنان "جبهه وحدت و آزادی" را تشکیل دادند. بزرگترین این سازمانها عبارتند از امل، حزب سوسیالیست ترقیخواه به رهبری ولید جنبلاط و حزب کمونیست لبنان. این اتحاد جدید در نخستین پیمانه خود که در روز ۲۲ ژوئیه در بیروت انتشار یافت، خواهان هماهنگی لبنان و سوریه در عرصه سیاستهای خارجی، اقتصادی، اجتماعی و دفاعی شد. اتحاد مزبور خواستار اصلاحات سیاسی و لغوشیوه معمول در تقسیم قدرت سیاسی و مقامات دولتی بر مبنای وابستگی فرقه‌ای گردیده است. از دیگر خواسته‌های این اتحاد، تغییرات ساختاری در ارتش لبنان است. احزاب و سازمانهای مزبور فرماندهی ارتش لبنان را که تحت نفوذ مسیحیان راستگرا قرار دارد، مسئول قتل رشید کرامی نخست‌وزیر سابق کشور دانسته‌اند. شب دوشنبه ۲۷ ژوئیه، یک گروه کماندویی اسرائیلی با حمله به یک روستا در عقب خاک لبنان، هفت تن را کشته و چهار تن را مجروح کرد. اسرائیلی‌ها، با فایده‌های تندرو در جنوب بندر رسیدا پیاده شدند و سپس در یک جاده ساحلی به دو اتومبیل حمله ور شدند.

امضای قرارداد در باره تأمین هامیان هند و سری لانکا



راجیو گاندی نخست‌وزیر هند و بیلیوس ریچارد جایاواردنه رئیس‌جمهور سری لانکا چهارشنبه گذشته در کلمبو پایتخت سری لانکا قراردادی امضا کردند که به موجب آن، اقلیت قومی تأمین در شمال و شرق جزیره سری لانکا از خودمختاری محلی برخوردار می‌گردد. شرط اجرای این قرارداد، به زمین گذاشتن سلاح‌ها از سوی چریک‌های تأمین است. "بهرای تأمین" که مهم‌ترین سازمان چنیش مسلحانه تأمین‌هاست، این شرط را رد کرده است. نیروی مسلح سری لانکا، عللاً در اختیار پوروازی "سنگالزی" است. نظامیان، با اعطای خودمختاری محدود به تأمین‌ها نیز مخالفند. در چنین شرایطی، تأمین‌ها حاضر به پذیرش خلع سلاح خود نیستند.

در جریان اقسامت راجیوگاندی نخست‌وزیر هند در کلمبو به منظور امضای قرارداد با دولت سری لانکا، یک سرباز گارد احترام با قنداق تفنگی به گاندی حمله کرد.

استعفا کرده‌اند. پیش‌بینی می‌شود تصویب قرارداد مزبور در پارلمان سری لانکا که نیازمند دو سوم آراست، پادشاهی مواجه شود.

سرکوب خونین تظاهرات در هائیتی

اعتصاب، خاطر نشان ساخت هدف از آن، سرنگون کردن رژیم ژنرال هائری نامفی دیکتاتور هائیتی است.



چهارشنبه گذشته در پورت اوپرنس پایتخت هائیتی، ارتش به روی مردمی که علیه دیکتاتوری نظامی در این کشور دست به تظاهرات زده بودند، آتش کشید و حداقل هشت تن را به قتل رساند. سربازان که لباس جنگ پوشیده بودند، شرکت‌کنندگان در میتینگ را در حال بازگشت از گردهمایی، به کلوله بستند. این تظاهرات در اعتراض به آخرین جنایت پانده "توتون ماکوت" برگزار شد. این دارودسته مافیایی که توسط دو والیه دیکتاتور سرنگون شده هائیتی تشکیل شده، هفته گذشته در شهر کوچک ژان رابل بیش از ۱۰۰ دهقان را قتل‌عام کرده بود. شرکت‌کنندگان در تظاهرات چهارشنبه گذشته، حمایت دولت آمریکا از رژیم نظامی هائیتی را محکوم کردند.

به دنبال سرکوب خونین تظاهرات چهارشنبه، اپوزیسیون هائیتی دعوت به اعتصاب عمومی کرد. اختلاف برای مبارزه نهایی "که سازمان‌های مختلف مخالف رژیم نظامی را در هر می‌تواند با اعلام این

مزدوران رژیم نظامی در هائیتی، هر روز جنایت دیگری مرتکب می‌شوند.

اعتصاب غذا در زندانهای ترکیه

کرده‌اند به اعتصاب غذای نامحدود تا تحقق خواست‌های خود ادامه خواهند داد. خواست‌های زندانیان، عبارتند از لغو مقررات مربوط به لباس متحدالشکل، عدم استفاده از دستبند، بهبود وضع تغذیه، فروش جای در زندان‌ها بدون اضافه قیمت، افزایش روزهای ملاقات از دو به پنج (وزیر دادگستری ترکیه، روزهای ملاقات را از هفت به دو کاهش داده است) و افزایش حد نصاب کمک مالی خانواده‌ها به زندانیان (زندانیان به علت وضع بسیار بد غذای زندان، ناچار به گرفتن پول از خانواده‌های خود هستند).

زندانیان سیاسی در ترکیه بار دیگر در اعتراض به شرایط غیر انسانی حاکم بر زندان‌های این کشور، دست به اعتصاب غذا زده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر اطلاع دادند که گروه نخست اعتصابیون که از ۲۴ نفر تشکیل شده‌اند، از تاریخ ۸ ژوئیه (۱۷ تیر) اعتصاب غذا کرده‌اند. شماری از آن‌ها را خطر مرگ تهدید می‌کند، اما آنان همچنان از غذا خوردن امتناع می‌ورزند.

از روز ۱۵ ژوئیه (۲۴ تیر) ۲۰۰ زندانی سیاسی دیگر به اعتصاب غذا پیوستند. زندانیان اعلام

اخبار کوتاه

● اریک مونتونگا یکی از شخصیت‌های معروف اپوزیسیون آفریقای جنوبی و از سازماندهان و شرکت‌کنندگان در ملاقات تاریخی داکار میان نمایندگان کنکره ملی آفریقا و سفیدپوستان مخالف آپارتاید، به قتل رسید. جسد وی در نزدیکی شهرک تاماراپیدا شد. هاشیت‌های آفریقای جنوبی همه شرکت‌کنندگان در اجلاس داکار را به مرگ تهدید کرده‌اند.

● در سراسر سودان مقررات فوق‌العاده اعلام شد. دولت سودان برای مقابله با چریک‌های "چنیش رهایی بخش ملی سودان" در جنوب این کشور دست به این اقدام زده است.

● به دنبال اعتصاب کارگران صنایع نفت و گاز بولیوی، دولت این کشور مناطق استخراج نفت و گاز را تحت کنترل ارتش قرار داد. کارگران اعتصابی خواهان افزایش دستمزدهای خود هستند. ۲۹ تن از فعالین سندیکایی که دستگیر شده‌اند در یک دادگاه نظامی محاکمه خواهند شد.

● عکس زیر، دو تن از قربانیان جنایت هولناک مزدوران آفریقای جنوبی را نشان می‌دهد که در جریان آن، ۲۸۰ تن از اهالی یک شهر کوچک در موزامبیک قتل عام شدند. بیست و سومین اجلاس سران سازمان وحدت آفریقا که هفته گذشته در آدنس آبابا برگزار شد رژیم آپارتاید را به خاطر این جنایت محکوم کرد.



اعلام همبستگی احزاب کمونیست و کارگری آسیا و اقیانوس آرام با زندانیان سیاسی ایران

دهها هزار نفر از اعضا و هواداران حزب توده ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر سازمانهای مترقی و دمکراتیک ایران سالهاست که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران تحت شکنجههای قرون وسطایی و بدون برخورداری از ابتداییترین حقوق انسانی و قانونی خود پرمی‌پرند. تاکنون بیش از ده هزار نفر اعدام و یازیر شکنجه کشته شده‌اند. شرایط دشوار و غیرقابل تحمل برای زندانیان و فشارهای جسمی و روانی بر آنان روز بروز شدیدتر می‌شود.

ما امضاکنندگان، اعمال ترور و شکنجه و نقض ابتداییترین حقوق انسانی نسبت به میهن پرستان در پند ایرانی را که بخاطر عقاید انسان دوستانه و دفاع از آزادی و استقلال میهنشان به زندان افتاده‌اند، شدیداً محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی هر چه سریع‌تر همه زندانیان سیاسی ایران هستیم.

حزب کمونیست آمریکا، حزب کمونیست سريلانکا، حزب متحده سوسیالیست ژلاندنو، حزب سوسیالیست استرالیا، حزب کمونیست هنگ‌کنگ، حزب کمونیست هند، حزب کمونیست فیلیپین، حزب کمونیست اندونزی، انجمن (مارکسیست)، حزب کمونیست کانادا، حزب کمونیست اندونزی، انجمن اتحادیه کمونیست استرالیا، حزب کمونیست نپال، حزب کمونیست پاکستان و حزب دمکراتیک خلق افغانستان.

قطعنامه سازمان‌های جوانان جهان علیه جنگ و اختناق در ایران

شرکت کنندگان در کنفرانس جنبش جوانان کمونیست فرانسه قطعنامه‌ای را علیه جنگ و اختناق در ایران به تصویب رساندند. در این قطعنامه کشتار جوانان و نوجوانان در جبهه‌های جنگ خانمانسوز ایران و عراق، اختناق عمری و شکنجه و اعدام در زندان‌های جمهوری اسلامی محکوم شده است و قطع فوری جنگ ایران و عراق، پایان اختناق و شکنجه و آزادی زندانیان سیاسی مطالبه شده است. این قطعنامه توسط سازمان‌های زیر امضا شده است:

جنبش جوانان کمونیست فرانسه، اتحادیه جوانان دمکرات آفریقای نديرا (سنگال)، انجمن جوانان انقلابی ماداکاسکار، اتحادیه جوانان دمکرات مصر، اتحادیه جوانان دمکرات عراق، فدراسیون جوانان دمکرات هندوستان، جوانان جبهه فارابوند و مارتی برای آزادی (السالوادور)، اتحادیه جوانان

دمکرات لبنان، اتحادیه جوانان کمونیست دانمارک، اتحادیه جوانان سوسیالیست کنگو - جوانان حزب، جوانان حزب ترقی‌خواه سوسیالیسم مراکش، اتحادیه جوانان کمونیست اسپانیا، اتحادیه جوانان کنگره ملی آفریقا، سازمان آزادی‌بخش فلسطین، جوانان کمونیست کوبا، جوانان کمونیست اتریش، اتحادیه جوانان کمونیست سوئد، پیشگامان فرانسه، سازمان جوانان کمونیست ایتالیا، جوانان کمونیست بلژیک، جوانان کمونیست پرتغال، جوانان کمونیست شیلی، سازمان جوانان یمن دمکراتیک، اتحادیه جوانان دمکرات افغانستان، اتحادیه جوانان دمکرات فنلاند، فدراسیون کارگران ترک در فرانسه، اتحادیه جوانان کمونیست گوادالوپ، جوانان کمونیست یونان، کمیته دفاع از انقلاب پورکینافاسو.

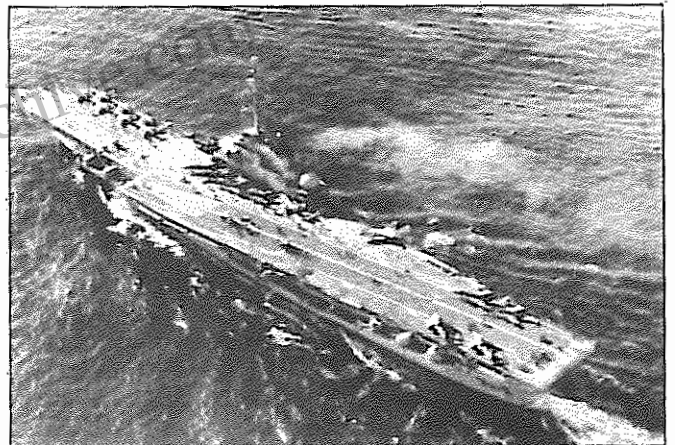
نقل از نشریه نامه مردم شماره ۱۶۳

موقعیت "پات"، در خلیج فارس دیری نخواهد پایید

عبور نفت باشد، می‌خواهد موقعیت داخلی خود را که با رسوایی "ایران کیت" متزلزل شده، دوباره مستحکم سازد. ادامه موقعیت کنونی، به ریکان امکان می‌دهد در برابر مخالفان خود، از جمله در کنگره، برگ برنده "دفاع مسلحانه از آزادی کشتی‌رانی" را نشان دهد، دفاعی که حداقل تاکنون به رویارویی نظامی مستقیم نیانجامیده است. جمهوری اسلامی نیز، علیرغم هیاهوی ضد آمریکایی خود، مخالفت چندانی با حضور نظامی فزاینده آمریکا در خلیج فارس ندارد. لااقل تا مقطع کنونی، واشنگتن توانسته است رژیم عراق را از آغاز دوباره جنگ در خلیج برحذر دارد. رژیم خمینی، می‌خواهد هم نفت صادر کند و هم در خشکی به جنگ ادامه دهد. جمهوری اسلامی برخلاف عراق، کاملاً وابسته به عبور نفت کس‌ها از تنگه

بدنبال برخورد نفت کس کویتی آمریکایی شده "هریجتون" ("الراکح" سابق) به مین، که خبر آن را در شماره گذشته درج کردیم، آرامشی نسبی بر خلیج فارس حاکم شده است. درواشکن، منابع دولتی گفتند با اینکه تقریباً اطمینان دارند مین دریایی توسط جمهوری اسلامی کار گذاشته شده بود، نیروهای آمریکایی عکس‌العملی نشان نخواهند داد.

قرار بود هفته گذشته، کاروان دوم نفت کسهای متعلق به کویت، زیر پرچم آمریکا، همراه با کشتی‌های جنگی پنناکون به سمت خلیج فارس حرکت کنند، اما به علت به تعویق افتادن بازگشت کاروان اول از کویت، حرکت کاروان دوم نیز به تعویق افتاده است. نفت کس آسیب دیده "هریجتون" هنوز در اسکله "الاحمدی" کویت است.



"ناوهای ائیمپرفرانسوی کلیمانسو" که رهسپار خلیج فارس شده است

هرمز است، و بنابراین، محدود شدن هفته گذشته در واشنگتن با چرخش شولتز متای آمریکایی خود دیدار و گفتگو کرد. به گزارش خبرگزاریها، شولتز در این دیدار عراق را از حمله به کشتی‌های غیرنظامی در خلیج فارس برحذر داشت. پیش از آن، ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در سفر به اروپای غربی اعلام کرده بود رژیم خمینی در سورتیکه کشتی‌هایش مورد حمله قرار نگیرند، راساً به کشتی‌های غیرنظامی حمله نخواهد کرد.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد در خلیج فارس، "موقعیت پات" ایجاد شده است. دولت ریکان، در پناه انداختن عجلانه کاروان نفت کس‌ها و رزمناوها، بیش از آنکه به فکر "بازنگه داشتن تنگه هرمز" و "تضمین

بقیه در صفحه ۱۰

AKSARIYAT
NO.168
MONDAY, AUG 3, 87

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
زندان‌های خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید